



Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan

Somaye Bakhtiyari¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract

Purpose: To investigate the position of Zel al-Sultan's military organization and how to develop his military facilities with a case study of Isfahan barracks.

Method and Research Design: This research was written with a descriptive and analytical approach using the historical and content analysis method based on manuscripts, internal and external archival documents and images, and library and field studies.

Findings and conclusion: The findings of the research indicate that Zel al-Sultan from 1878AD/1296 AH to 1887AD/1305 AH, built and equipped four barracks, two infantry artillery, and several warehouses of military weapons in Isfahan. He had a well-trained army of around 21,000 soldiers, who were trained in modern military techniques. Zel al-Sultan's success in forming a regular corps was due to the timely payment of dues to officials and soldiers, and the provision of necessary military equipment and training. Mustafa Qolikhhan Farashbashi was responsible for the construction and alteration of Chahar Hawz, Naqsh-e Jahan, Fethiyeh, and Naseri barracks in accordance with Zel al-Sultan's orders.

Keywords: Zel al-Sultan';Mustafa Qolikhhan Farashbashi';Barracks';Isfahan';Qajar.

Citation: Bakhtiyari, S. (2023). Zel al-Sultan Military Formations and Barracks in Isfahan. *Ganjine-ye Asnad*, 33(4), 56-94 | doi: 10.30484/ganj.2023.3094

1. PhD of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran
sbakhtiyari88@yahoo.com
Copyright © 2024, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«132»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3094

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.4, Winter 2024 | pp: 56-94 (39) | Received: 14, Oct. 2023 | Accepted: 15, Dec. 2023

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل‌السلطان در اصفهان

سمیه بختیاری^۱

چکیده

هدف: بررسی جایگاه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه تأسیسات نظامی او با مطالعه موردی سربازخانه‌های اصفهان.

روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی به روش تحلیل تاریخی و محتوایی براساس نسخه‌های خطی، اسناد و تصاویر آرشئولوژی داخلی و خارجی و مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نگاشته شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ظل‌السلطان در دوره اقتدارش از سال ۱۲۹۶ق-۱۳۰۵ق/۱۸۷۸م-۱۸۸۷م تشکیلات و زیرساخت‌های نظامی گسترده‌ای شامل چهار سربازخانه، دو توپخانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی در اصفهان ایجاد و تجهیز کرد. او ارتشی کوچک و مجهز با حدود بیست و یک هزار سرباز براساس آموزش فنون نظامی نوین داشت. مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی بنابه دستور ظل‌السلطان، کاربری میدان چهارحوض و نقش جهان و کاروان‌سرای مادرشاه را به سربازخانه تغییر داد و سربازخانه‌ای برای سوارهای فتحیه روبه‌روی کاروان‌سرای مادرشاه ساخت. او هم‌چنین در کنار میدان چهارحوض، سربازخانه ناصری را احداث کرد که پس از عمارت مسعودی، باشکوه‌ترین بنایی بود که به دستور ظل‌السلطان ساخته شده بود. توجه مستمر ظل‌السلطان به آموزش و تربیت نیروی نظامی، پرداخت به موقع مواجب شش‌ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان و تهیه تجهیزات نظامی و وسایل موردنیاز برای مشق قشون، دلیل موفقیت او در تشکیل قشون منظم بوده است.

کلیدواژه‌ها: ظل‌السلطان؛ مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی؛ سربازخانه؛ اصفهان؛ قاجار.

استناد: بختیاری، سمیه. (۱۴۰۲). تشکیلات نظامی و سربازخانه‌های ظل‌السلطان در اصفهان.. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۴).

doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۹۴ | ۹۴-۵۶

۱. دکتری تاریخ، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

sbakhtiar88@yahoo.com

گنجینه اسناد

۱۳۲

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۹۴

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۲ | صص: ۵۶-۹۴ (۳۹)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۴

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

مسعود میرزا (۱۲۶۶-۱۳۳۶ ق/۱۸۵۰-۱۹۱۸ م) ملقب به ظل‌السلطان پسر ارشد ناصرالدین‌شاه، تنها شاه‌زاده بدون تاج ایران بود که تجربه حکومت بر حدود دوسوم مملکت ایران را در دوره قاجار داشت. او به مدت بیش از سی و سه سال بر اصفهان و ولایات تابعه اصفهان حکومت کرد. شرح اهتمام او در از بین بردن آثار هنری اصفهان و ویران کردن بیش از چهل عمارت و بنای تاریخی عصر صفوی مانند عمارت هفت دست، قصر نمک‌دان، آینه‌خانه و جهان‌نما، و فساد و تباهی، فسق و فجور، گروگان‌گیری و مصادره اموال مردم زبان‌زد خاص و عام است و بیشتر نویسندگان و محققان دوره قاجار و حتی خانواده او نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند. گویی نام او با ویرانی و ظلم عجیب شده است و نمی‌توان از او عمران و آبادانی و اقدامات عام‌المنفعه انتظار داشت. در این مقاله به بُعد دیگری از نحوه حکمرانی ظل‌السلطان در دوره اقتدارش (۱۲۹۶ ق-جمادی‌الثانی ۱۳۳۵ ق/۱۸۷۸ م-فوریه ۱۸۸۸ م) پرداخته شده است. مسعود میرزا در آن مقطع زمانی، افزون بر مرمت و بازسازی برخی از بناهای تاریخی و تأسیس مدرسه همایونی، دارالشفاء، دیوان‌خانه، مدرسه نظام و انجمن معارف و انتشار روزنامه فرهنگ، فوج‌ها و دسته‌های نظامی منظمی را هم در ایالات و ولایات تحت حکومت خود تشکیل داد. امور نظامی و مالی قشون او متمرکز بود. او در تهیه تجهیزات نظامی، وسایل موردنیاز برای مشق قشون و ادوات جنگی مانند اسلحه و توپ نیز عملکرد موفقی داشت. او در اصفهان و سایر مناطق تحت حکومت خود، سربازخانه و انبار ذخیره تسلیحات نظامی برای فوج‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه ساخته بود. مقاله حاضر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

۱. تشکیلات نظامی ظل‌السلطان چه جایگاهی داشت؟

۲. ظل‌السلطان زیرساخت‌های نظامی مناطق تحت حکومت خود را چگونه توسعه

داد؟

تشکیلات نظامی ظل‌السلطان اعم از آموزش فنون نظامی، مشق قشون و تجهیزات نفری سربازان قشون اصفهان در سراسر مملکت کم‌نظیر بود. او برای توسعه و تجهیز زیرساخت‌های نظامی مناطق تحت حکومت خود، چند سربازخانه ساخت؛ از جمله سربازخانه چهارحوض، فتحیه و ناصری،

هدف از پژوهش حاضر روشن کردن جایگاه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه یکی از زیرساخت‌های نظامی اش (سربازخانه) است.

پس با چنین رویکردی در این مقاله وضعیت تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه به‌طور مختصر بررسی می‌شود و پس از آن تشکیلات



نظامی ظل‌السلطان و چگونگی توسعه سربازخانه‌های او در اصفهان بررسی می‌شود. گفتنی است، ظل‌السلطان پس از سقوط از اریکه قدرت و برکناری از حکومت ایالات و ولایات به‌جز حکومت اصفهان، نیروی نظامی خود را از دست داد و تعداد سربازانش به پانصد نفر کاهش یافت. به‌همین دلیل به‌مرور زمان کاربری سربازخانه‌ها، توپ‌خانه‌ها و انبارهای تسلیحات نظامی اصفهان تغییر یافت و یا ظل‌السلطان آن ساختمان‌ها را ویران کرد. لذا دوره مورد مطالعه تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و سربازخانه‌های او از آغاز حکومتش بر اصفهان در ۱۲۹۲ ق/ ۱۸۷۵ م تا برکناری‌اش از سریر قدرت در ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۷ م است و تشکیلات نظامی دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه بررسی شده‌است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره تشکیلات نظامی دوره قاجار نسخه‌های خطی و اسناد فراوانی موجود است. بسیاری از سیاحان خارجی که در آن دوره از ایران دیدن کرده‌اند در گزارش‌های خود به وضعیت سپاه، تأسیسات و تجهیزات نظامی ایران پرداخته‌اند. هم‌چنین کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار نگاشته شده‌است که یکی از قدیمی‌ترین آن‌ها، کتاب «تحولات سیاسی نظام ایران» نوشته جهانگیر قائم‌مقامی (۱۳۲۶) است؛ ولی درباره تشکیلات نظامی ظل‌السلطان و سربازخانه‌های او در اصفهان و جانمایی محل دقیق آن‌ها تحقیق و پژوهش متمرکز انجام نشده‌است. پژوهش زیر به‌روش تحلیل تاریخی و محتوایی با رویکرد توصیفی و تحلیلی براساس نسخه‌های خطی، اسناد و تصاویر آرشیوی و مطالعات میدانی و کتاب‌خانه‌ای نگاشته شده‌است.

۲.۱. تشکیلات نظامی ایران در دوره قاجار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه

آقامحمدشاه، مؤسس حکومت قاجار شیفته سپاه‌سالاری و لشکرکشی بود. او شانزده سال بی‌وقفه برای دستیابی به قدرت تلاش کرد. حتی پس از مغلوب کردن خاندان زند، تاج‌گذاری نکرد و به قفقازیه لشکرکشی کرد. او با سپاه فرمان‌بردارش در سراسر مملکت تاخت و «سرهای پرغرور را از پای» انداخت تا برادرزاده‌اش به‌آرامی سلطنت کند (ملکم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۴۶). فتح‌علی‌شاه، نبوغ نظامی و جنگاوری عمویش را نداشت. اگرچه او در مدت کوتاهی توانست کشمکش‌های داخلی را فرونشاند، ولی هیمنه قدرت نظامی سپاهش با تلنگری از سپاه روس فروریخت. رؤیای عباس‌میرزا ولی‌عهد و والی آذربایجان، تشکیل ارتشی قدرتمند و متمرکز به‌سبک فنون نظامی نوین بود. او که خود در کنار سپاهش به مشق و تمرین فنون نظامی می‌پرداخت، استخدام مستشاران نظامی مجرب

خارجی را تنها مانع پیشروی سپاه روس به خاک کشور می‌دانست. به همین دلیل نخستین هیئت نظامی فرانسوی به سرپرستی سرتیپ گاردان^۱ به ایران وارد شد و پس از آن تعلیم سپاه ایران توسط افسران کشورهای اروپایی به ویژه انگلیس، روسیه و اتریش تا پایان حکومت قاجار ادامه یافت؛ ولی تشکیلات نظامی ایران چندان توسعه‌ای نیافت. با همه اشتیاقی که عباس میرزا در اصلاح قشون داشت، تقویت و بازسازی سپاه پس از عهدنامه ترکمن‌چای پیگیری نشد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۳۰-۷۳۵). بنابه گزارش موسیو ژوبر^۲ سفیر ناپلئون بناپارت^۳ در عثمانی و ایران، تشکیلات نظامی ایران در دوره فتح‌علی‌شاه شامل نگهبانان شاه و شاهزادگان، دسته‌های ایلات، سربازان داوطلب و چندین رسته پیاده‌نظام، سواره‌نظام و توپخانه بود. او در گزارش خود می‌نویسد: «ایرانیان هیچ تصویری از هنر جنگیدن ندارند؛ ترفند جنگی آن‌ها شکست دادن دشمن در نخستین برخورد و یا گریختن از میدان نبرد است» (ژوبر، ۱۳۴۷، صص ۲۱۴-۲۱۵).

محمدشاه، نظم قشون را به توانایی سرتیپ‌ها و سرهنگ‌ها منوط می‌دانست و از «سوار بی‌نظام و اردو‌بازاری پدرسوخته که دائم فریاد بی‌جهت می‌کنند» بیزار بود و می‌خواست که سرکرده‌ها مسئولیت‌پذیر و «در بند نظم‌تابین^۴» باشند (اسناد تاریخی خاندان غفاری، ج ۲، ۱۳۸۵، سند ۱۳). باین‌حال، وضعیت سپاه در زمان او به دلیل بی‌کفایتی حاج‌میرزا آقاسی و وزیر جنگ فلاکت‌بار بود (قائم‌مقامی، ۱۳۲۶، ص ۶۸). در ذی‌الحجه ۱۲۵۱ق/آوریل ۱۸۳۶م، حدود یک‌سال و نیم پس از آغاز پادشاهی محمدشاه، کلنل استودارت^۵ یکی از افسران انگلیسی سفارت بریتانیا در تهران، تعداد سربازان ایرانی را یک‌صد هزار و هفت‌صد و پنجاه نفر برآورد کرد که بیشتر آن‌ها غیرثابت و اسمی بودند. او در گزارش دقیق خود به بی‌نظمی سپاه، ناآگاهی سرکردگان نظام از مشق و فنون نظامی و مجهز نبودن سربازان به اسلحه، لباس و تجهیزات اشاره کرده است. براساس این گزارش باروت موردنیاز سپاه از کارخانه تبریز و کارخانه جدید در حال ساختی در تهران تأمین می‌شده و کارخانه توپ‌ریزی و عراده‌سازی مخصوص حمل توپ در نزدیکی تبریز قرار داشته است (استودارت، ۱۳۴۹، صص ۱۲۸-۱۳۱). پس برخلاف دیدگاه برخی از محققان، در دوره حاج‌میرزا آقاسی در کنار تولید مضحک کفش آهنین برای شتران، بنیان برخی از کارخانه‌جات توپ‌ریزی و تولید باروت هم گذاشته شده و در دوره صدارت امیرکبیر کارخانه‌ها توسعه یافته و کارآمد شده است.

در قرن سیزدهم هجری/نوزدهم میلادی اقدامات بسیاری در زمینه تبدیل قشون چریک و غیرمنظم ایران به ارتش ثابت یا نیمه‌دائم با انضباط و شکل اروپایی و اصلاح آموزش فنون نظامی انجام شد. امیرکبیر نخستین صدراعظم ناصرالدین‌شاه که خود در میان قشون

1. Claude-Matthieu Comte de Gardane.

2. Pierre Amédée Emilien Probe Jaubert.

3. Napoleon Bonaparte.

۴. تابین: سربازی که درجه ندارد؛ زبردست.

5. Colonel Stoddart



بالیده بود، بر اصلاح تشکیلات نظامی کشور سعی داشت. او دارالفنون و کارخانه‌های باروت‌سازی، توپ‌ریزی، اسلحه‌سازی و دیگر دست‌افزارهای نظامی را در تهران، مشهد، تبریز و اصفهان بنیان نهاد و یا توسعه داد و قوانینی در امر سربازگیری و تأمین موجب قشون تنظیم کرد؛ ولی سقوط او از اریکه قدرت، از برقراری و پایداری اصلاحاتش مانع شد. دو دهه پس از او، ناصرالدین‌شاه، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله را به سپه‌سالاری منصوب کرد و به او در امور نظامی اختیارات کامل داد. او نه سال وزیر جنگ بود و در طول این مدت در صدد تمرکز امور نظامی و مالی ارتش برآمد. پس از آن ارتش ایران در آخرین سال سلطنت ناصرالدین‌شاه شامل قشون طرح اتریشی، سواره قزاق، قشون متحرک و قشون متوقف یا سربازان ذخیره می‌شد (قائم‌مقامی، ۱۳۴۶، صص ۷۶-۷۷).

در اواسط حکومت ناصرالدین‌شاه، مجدالملک یکی از دولت‌مردان قاجار «طبقه سپاهی ایران را از جمیع مخلوق عالم مظلوم‌تر» دانست؛ زیرا قشون ایران از روزی که به نوکری مجبور می‌شد، بیم نان داشت و همیشه دچار گرسنگی و عربانی بود (نسخه خطی رساله مجدیّه، کمام، برگ ۲۹). موجب سپاه از دوره فتح‌علی‌شاه تا پیش از انقلاب مشروطه سالیانه بین شش تا هفت تومان بود (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵؛ صفائی، ۱۳۴۹، سند ۵؛ Sheil, 1856, p385) که به موقع پرداخت نمی‌شد و سرباز مجبور بود برای گذران زندگی به تکدی‌گری (نسخه خطی رساله مجدیّه، برگ ۳۰ و ۳۱) و یا کسب و کار روی بیاورد «و از مشق و خدمت طفره بزند» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، نقل از رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی، ص ۴۳۴). بسیاری از سربازها از گرسنگی می‌مردند و یا دچار بیماری می‌شدند و هلاک می‌شدند (نسخه خطی رساله طیبی، کمام، ۳-۹۷). بی‌نظمی در امور مالی قشون و حرص و طمع سرکردگان تشکیلات نظامی مهم‌ترین دلیل پرداخت کم و دیر هنگام موجب قشون بود.

در سندی منحصر به فرد، میرزا حسین‌خان سپه‌سالار بودجه قشون ایران در سال دوم حکومت ناصرالدین‌شاه را با بودجه قشون در سال بیست و هفتم پادشاهی او مقایسه کرده است. براساس این گزارش، در دوره صدارت امیرکبیر در ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م بودجه موجب قشون بدون تدارکات و دیگر هزینه‌های تشکیلات نظامی یک میلیون و پانصد و هشتاد هزار تومان بوده است؛ در حالی که در ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م به نه صد هزار تومان کاهش یافته است. در ادامه سپه‌سالار کاهش مخارج قشون را ممکن و سهل دانسته است و سه راه کم کردن تعداد قشون و پیش‌کارها؛ کسر کردن مخارج نفری قشون و موجب پیش‌کارها؛ و کاهش تعداد قورخانه‌ها و دیگر تدارکات مانند پوشاک سربازان را پیش‌روی شاه قرار داده است. شاه که همواره به دوره طلایی اصلاحات امیرکبیر در فنون و امور نظامی،

نیم‌نگاهی داشت در پاسخ نوشت که قصد ندارد تعداد سپاه و مخارج آن را کاهش دهد؛ بلکه می‌خواهد تعداد قشون به دوره امیرکبیر برسد (صفائی، ۱۳۴۹، سند ۵). گفتنی است، مری شیل^۱ همسر سفیر انگلستان، چهل سال پس از ژوبر و یک سال پس از آغاز صدارت امیرکبیر به مدت چهار سال در ایران زندگی کرد. شیل هم‌چنان مانند ژوبر ارتش ایران را بدون نظم داخلی و بر روی کاغذ صد هزار نفر می‌دانست. او معتقد بود که با احتساب هنگ‌های ناقص و سربازانی که به مرخصی می‌روند و هرگز بازمی‌گردند، ایران کمتر از هفتاد هزار نفر سپاه دارد که حدود بیست و پنج هزار سرباز آن از آذربایجان است (Sheil, 1856, p384). به نظر می‌رسد اقدامات امیرکبیر بیش از اجرایی شدن طرح‌ها و اندیشه‌هایش به دلیل اوج بی‌نظمی قشون در اواخر دوره محمدشاه، مورد توجه ناصرالدین شاه و محققان آن دوره و پس از آن قرار گرفته است. در هر حال، سپه سالار یک سال پس از آن نامه، توانست تعداد قشون کشور را به بیش از یک صد هزار نفر برساند (صفائی، ۲۵۳۵، سند ۹). با این حال قشون مملکتی که ترفیع مقام افسران بنابه رشوه و تعارف و یا وراثت بود (Sheil, 1856, p383) و حتی کودکی به سرکردگی فوجی می‌رسید،^۲ قدرت نظامی آن با افزایش تعداد قشون، وجود افسران اروپایی در برخی هنگ‌ها، آموزش مشق نظامی به سبک نوین و فراهم کردن تجهیزات اروپایی پیشرفت نمی‌کرد؛ چون خدمت و رشادت و شایستگی سپاه در ارتقاء مقام افراد نقش مؤثری نداشت.

۳. درآمدی بر حکومت ظل‌السلطان

مسعود میرزا در سن دوازده سالگی به حکومت مازندران، ترکمن صحرا، سمنان و دامغان رسید و پس از آن به فرمان‌فرمایی فارس و سپس به حکومت اصفهان منصوب شد. او تا ۱۲۹۲ق/۱۸۷۵م چندبار حاکم اصفهان و فارس شد. از آن پس تا ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م که به خواست مردم اصفهان عزل شد، حدود سی و سه سال حاکم بلامنازع اصفهان بود. حکومت بروجرد، گلپایگان، خوانسار، یزد، عراق (اراک امروزی)، لرستان، عربستان (خوزستان)، ایالت فارس، کرمانشاه، کردستان، محلات و درجزین با فوج‌های عراق، اصفهان، کردستان و درجزین به تدریج ضمیمه حکومت اصفهان شد (ظل‌السلطان، ۱۳۶۲، صص ۱۹-۲۰؛ روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۰۵ق، نمره ۵۳۷). او در آغاز قرن چهاردهم هجری قدرتمندترین و ثروتمندترین شخص پس از ناصرالدین شاه بود و آن قدر به جایگاه خود دل‌گرم بود که در ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م به شاه پیشنهاد کرد که در مقابل پیشکشی میلیونی، او را به ولی‌عهدی انتخاب کند. ظل‌السلطان در جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م زمانی که در اوج شوکت و اقتدار در مقر خود در دارالسلطنه اصفهان حکومت می‌کرد و خود را

1. Mary Sheil.

۲. می‌توان به امیرتومانی ملیچک در یازده سالگی اشاره کرد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۶۷، ۷۶۸).



میرقلیچ^۱ دولت می دانست^۲، به دستور پدر تاجدارش از حکومت تمامی ولایات و قشون به جز اصفهان استعفا داد و حدود یک سال در تهران بیکار بود و تنها عنوان حکومت اصفهان را داشت؛ به طوری که اطرافیانش درباره او می گفتند که «او بر روی قالی راحت نشسته و چپق فکر می کشد» (ویلسن، ۱۳۶۶، صص ۶۴-۶۵). از آن پس به جز دلجویی گاه‌وبی‌گاه شاه از فرزندش در انتصاب کوتاه‌مدت او بر ولایاتی چون گلپایگان، خوانسار و کمره و گاهی عراق، دیگر از آن اقتدار پیشین خبری نبود.

دوران طلایی حکومت ظل‌السلطان از ۱۲۹۶ق/۱۸۷۹م آغاز شد و در جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م پایان یافت. هنگامی که او حکومت اصفهان «ویران و مخروبه» را تحویل گرفت، به مدت سیزده سال به آبادانی اصفهان و متعلقات دیوانی آن پرداخت (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۵). میدان نقش‌جهان، پل‌ها، کاخ‌های صفوی، کاروان‌سراها و حتی مغازه‌های مردم را که به مرور زمان از بین رفته بود تعمیر و بازسازی کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ جمادی‌الآخر ۱۲۹۷ق، نمره ۴۶ و ۳ محرم ۱۳۰۲ق، نمره ۲۷۸). او در اصفهان نخستین مدرسه همایونی، دیوان‌خانه برای دادرسی، مجلس تجار، انجمن معارف و مدرسه نظام را تأسیس کرد (شیبانی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۲؛ روزنامه فرهنگ اصفهان، ۹ جمادی‌الاول ۱۲۹۶ق، نمره ۲ و ۲۵ صفر ۱۲۹۸ق، نمره ۸۳؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۵۸). هم‌چنین برای فقرا و سربازان دارالشفاء ساخت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ق، نمره ۸۳) و پزشکان معتبر داخلی و خارجی را به اصفهان فراخواند تا در انجمن طبیه اصفهان همکاری کنند. او نخستین روزنامه اصفهان را با عنوان «فرهنگ اصفهان» منتشر کرد که در شهرهای ایران و خارج از کشور توزیع می‌شد و ناصرالدین‌شاه، شخص اول مملکت یکی از خوانندگان آن بود (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ق، نمره ۲۸۶). ظل‌السلطان به کمک نیروی نظامی و نخبگان تحت امرش به خوبی توانست بر نیمی از کشور حکومت کند. البته ناگفته نماند که او در طول دوره حکمرانی‌اش افزون‌بر سیاست‌مداری و دوران‌دیشی به دغل‌بازی سیاسی، مجازات‌های سنگین مجرمان و سخت‌گوشی متهمان نیز شهرت داشت (Benjamin, 1886, p64). حسین‌قلی خان ایل‌خان بختیاری یکی از مشهورترین افرادی است که در دوران قدرت‌یابی ظل‌السلطان به دست او قربانی شد. ظل‌السلطان، پس از آن‌که از حکومت تمامی ایالات و ولایات عزل شد و خانه‌نشین شد، چاپ و انتشار روزنامه را متوقف کرد و کاخ‌ها و بناهای صفوی را ویران کرد. انگار که به قول جابری انصاری به او این‌گونه فهمانیده بودند که «باید اصفهان را ویرانه نمایش داد تا دیگری طمع فرمانداری و ربودنش [را] ننماید» (جابری انصاری، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

۱. قلیچ: شمشیر.

۲. در ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م ظل‌السلطان در گزارشی به ناصرالدین‌شاه خود را میرقلیچ دولت خواند که «می‌خواهد دو نفر خان بختیاری را زیر اطاعت بیاورد نمی‌شود» (صفائی، ۱۳۵۰، سند ۳).



۴. تشکیلات نظامی ظل السلطان در اصفهان

زمانی که صدای ضعیف طبل و شیپور نشانه وزین حیات توپچی و سرباز در مملکت بود و صاحب‌منصبان نظام از واهمه متهم‌شدن به شورش و تحریک سپاه «خود را از تنظیمات قشون کنار گذاشته» بودند (نسخه خطی رساله مجدیّه، برگ ۲۹)، ظل السلطان بی‌محابا نیروی نظامی قدرتمندی تشکیل داد و شکوه و جلال آن را به نمایش گذاشت. او که سالانه درآمدی معادل دو میلیون تومان داشت، برای خود ارتشی کوچک و مجهز متشکل از بیست و یک هزار سرباز ترتیب داد که شامل هفت هزار سوار و ده آتشبار توپ می‌شد (اوبن، ۱۳۶۲، صص ۲۹۰-۲۹۱). ظل السلطان همانند عباس میرزا جد پدری خود به تشکیل قشون منظم براساس آموزش فنون نظامی نوین اهمیت بسیاری می‌داد و کارآموزی آن‌ها را با شوق و علاقه پیگیری می‌کرد (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۳). نسخه خطی منحصربه‌فرد «کتابچه اسامی مشخصات صاحب‌منصبان و سربازان فوج جلالی» نشان‌دهنده سطح بالاتر تشکیلات نظامی ظل السلطان از پایتخت و دارالسلطنه تبریز است. این نسخه حاوی اطلاعاتی درباره نام، نام پدر، تعداد خانوار، محل سکونت، سن، اندازه قد، چهره و سیمای فوج جلالی است که به توشیح ابوالفتح خان صارم‌الدوله داماد ناصرالدین‌شاه، مشیرالملک، لشکرنویس باشی و میرزا فضل‌الله سرتیپ رسیده است (نسخه خطی کتابچه اسامی مشخصات صاحب‌منصبان و سربازان فوج جلالی، کمام، برگ ۵-۵۴).

ناصرالدین‌شاه در کنار حکومت ایالات و ولایاتی که به ظل السلطان می‌سپرد، حکم سرپرستی فوج‌های آن منطقه و یا مناطق دیگر را نیز برای او صادر می‌کرد؛ به طوری که یکی از سه هنگ سواران نیمه‌منظم کشور به سبک اروپایی به نام «فوج هنگ ناصری اصفهان» تحت سرپرستی ظل السلطان بود. این هنگ شش ماه در سال خدمت می‌کرد و فقط بابت همان مدت، مواجب و جیره دریافت می‌کرد. به جز اسب که خود افسران و سربازان فراهم می‌کردند، تأمین محل اسکان، مواجب طبیب، تجهیزات و اسلحه به خرج دولت بود (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۷۵۲-۷۵۴). براساس اسناد، ظل السلطان در سال ۱۲۹۸ ق/۱۸۸۰ م به جز افواج ثلاثه اصفهان که شامل فوج جلالی، فریدن و چهارمحالی بود، شش فوج ملایر، اسدابادی، نهاوند، خلیج، درجزین و شقاقی را هم داشت و در نوروز ۱۲۹۹ ق/۱۸۸۱ م فوج عراق و کمره نیز به او واگذار شد (صفائی، ۱۳۴۹، سند ۱۸). قشون و افواج جمعی ظل السلطان پیش از برکناری از قدرت، شامل افواج ثلاثه اصفهان، افواج خمسۀ عراق، افواج اربعۀ کرمانشاهان، فوج کمره، فوج سیلاخور، فوج گلپایگان، فوج امرایی و فوج پشت‌کوهی بود که شامل دوهزاروپانصد نفر سواره بختیاری اصفهان،



ایلات فارس، ایلات بروجرد، ایلات کرمانشاهان و لرستانی بود (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، صص ۲۱۴۳-۲۱۴۴). به جز این، او در ولایات تحت حکومت خود نیز فوج نظامی تشکیل می‌داد و اهتمامشان در مشق نظامی را رصد می‌کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ ربیع‌الاول ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۷). حتی جوانان ارامنه جولاهه^۱ به سواره‌نظام او پیوسته بودند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۴ صفر ۱۳۰۵ ق، نمره ۵۰۶). به نظر می‌رسد، پرداخت به موقع و بدون کسر و نقصان موجب شش ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۹) دلیل موفقیت ظل السلطان در تشکیل قشون منظم و مجاب‌کردن شاه در سپردن بخشی از مهم‌ترین بازوی قدرت در کشور به او تا جمادی‌الثانی ۱۳۰۵ ق/۱۸۸۷ م به‌شمار می‌رفته‌است. درحالی‌که حاکمان دیگر ولایات زیر بار پرداخت موجب فوج‌ها نمی‌رفتند و آن را به حاکم دیگری حواله می‌کردند (صفایی، ۱۳۵۲، سند ۴۵)، ظل السلطان بدون آن‌که خود را متحمل مخارج سپاه کند، نایب‌الحکومه‌هایی بر سر کار گذاشته بود که موظف بودند موجب سپاه را پرداخت کنند و او این مبالغ را به‌خرج محل می‌نوشت و از مالیات کسر می‌کرد.

کتابچه‌های مالی بسیاری دربارهٔ موجب و سیورسات قشون ظل السلطان در مراکز آرشویی موجود است که تعداد نفر هر فوج و محل پرداخت موجب آن‌ها به‌طور دقیق در آن‌ها شرح داده شده‌است.^۲ برای نمونه از سال ۱۳۰۰ ق/۱۸۸۳ م پنج نسخه خطی دربارهٔ مخارج قشون در کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی وجود دارد. در نسخه خطی «موجب و سیورسات افواج ولایت در ادارهٔ ظل السلطان قوی‌ئیل ۱۳۰۰» پانزده فوج موجب و جیره سالیانه و دو فوج موجب شش ماهه به‌خرج محل دریافت می‌کرده‌اند که می‌توان به فوج درجزینی، فوج پانصدنفری ظفر به‌خرج کردستان، افواج ثلاثه هشت‌صدنفری اصفهان، افواج هشت‌صدنفری عراق (بزچلو، فراهان، کزاز، سربند و خلج قم)، فوج هشت‌صدنفری گلپایگان، فوج هزارنفری سیلاخوری، فوج هشت‌صدنفری کمره، افواج امرائی هزارنفری، فوج پشت‌کوهی هشت‌صدنفری، افواج کرمانشاهی هشت‌صدنفری (کرندی، کوران، قلعه‌زنجیری، زنگنه و کلهر) اشاره کرد (نسخه خطی موجب و سیورسات افواج ولایت در ادارهٔ ظل السلطان قوی‌ئیل ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۶ تا ۱۱). شرح مبسوط مخارج قشون در سال مذکور در کتابچه دیگری با عنوان «تشخیص مخارج قشون نصرت‌نمون که به‌خرج ولایات ادارهٔ حضرت اشرف امجد اسعد والا ظل السلطان روحنا فداه منظور شده ازبابت هذمه سنه قوی‌ئیل ۱۳۰۰» آمده‌است. در هامش یکی از صفحات، در دستورالعمل دیوان اعلیٰ موجب توپ‌چیان جدید و قدیم نفری دوازده تومان به‌خرج نوشته‌اند. در این نسخه به‌طور صریح آمده‌است

۱. جلفا.

۲. البته نباید فراموش کرد، در بسیاری از رساله‌های سیاسی و انتقادی دوره ناصرالدین‌شاه مانند «رساله تنظیمات قشون ملک»، «رساله مجذیه» و «رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی» به‌طور ضمنی به کارسازی و جعل مدارک و اسناد کتابچه‌های مالی قشون اشاره شده‌است (نسخه خطی قوانین تنظیمات ایران، کِمَام، برگ ۱۱۱-۱۱۹؛ نسخه خطی رساله مجذیه، کِمَام، برگ ۲۹-۳۳؛ آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، نقل از رساله میرزا محمدحسین‌خان دبیرالملک فراهانی، صص ۴۲۴-۴۲۶).



که این مخارج سوای مواجب و سیورسات کارمندان مریض‌خانه قشون است (نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره افواج و سوارها، کِمَام، برگ ۷ و ۹). در نسخه خطی «مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰» تمامی مخارج قشون که حدود ۲۳۳ هزار تومان بوده است به صورت نقد و جنس (غله و کاه) آمده است. هم‌چنین مواجب توپ‌چیان قدیم و جدید به ده تومان در سال کاهش یافته است (نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل‌السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۵). در نسخه خطی «مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی‌ئیل ۱۳۰۰» قیمت دارو، انعام و مواجب و سیورسات چهار طبیب و دو جراح قشون و دیگر کارمندان دارالشفای قشون به خرج اصفهان آمده است (نسخه خطی مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی‌ئیل ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۲-۶). در آخر در کتابچه «مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل‌السلطان در سنه ۱۳۰۰» مواجب و جیره قراسوران و مستحفظین بین راه‌ها به خرج دستورالعمل هر ولایت آمده و به‌طور دقیق مشخص شده است که قراسوران اصفهان، عرب ناصری، جماعت بختیاری، عرب اردستانی و یا سوار کرد و سگ‌وند مواجب و سیورسات خود را از کدام محل بگیرند (نسخه خطی مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل‌السلطان در سنه ۱۳۰۰، کِمَام، برگ ۳-۷). پس از آن‌که ظل‌السلطان از سرپرستی فوج‌های نظامی‌اش عزل شد، جیره و مواجب سربازهای باقی‌مانده را به‌ندرت پرداخت می‌کرد؛ به‌طوری‌که سربازان فوج فتحیه برای گرم کردن قرارگاه خود مجبور بودند درختان چهارباغ را ببرند (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۸).



تصویر ۱

سربازان فوج دوم جلالی در سربازخانه چهارحوض (ساکه، ۱۳۱۹/۲۵/۹۹۹)



ظل‌السلطان تا پیش از برکناری از قدرت، نه تنها در انتظام امور مالی قشون، بلکه در تهیه تجهیزات نظامی، وسایل موردنیاز برای مشق قشون و ادوات جنگی مانند اسلحه و توپ نیز موفق بود. او برای هر فوج پیاده و سواره و توپ‌خانه چند انبار ذخیره مخصوص همان فوج با هدف رفع نیاز روزانه قشون در سطح شهر اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومت خود داشت. هم‌چنین در انبارها، ملزومات نظامی و لباس مخصوص هر فوج برای هشت‌هزار نفر موجود بود. سربازان از تفنگ دهن‌پر پستانک‌دار قدیمی استفاده می‌کردند و تفنگ‌های ورنیدل جدید در انبار ذخیره نگهداری می‌شد (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۱۳). ظل‌السلطان با هدف حمایت از کالای ایرانی، لباس تابستانی و زمستانی سربازان تحت حکومتش را از منسوجات ایرانی به‌طور خاص از تولیدات صنعتگران و هنرمندان اصفهان تهیه می‌کرد (شیبانی، ۱۳۶۶، ص ۲۲۴) و چکمه و نیمه‌چکمه‌های آن‌ها را از جماعت کفش‌دوز اصفهان خریداری می‌کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۸۶) و برای ساخت ابزار نظامی بین صنعتگران اصفهان مناقصه می‌گذاشت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۴ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۳). در هر سربازخانه و در هر قسمت قشون، استادان و کارگران برای دوختن و پینه‌دوزی لباس‌ها، کفش‌ها و مرمت سلاح‌ها، لوازم اسب‌ها و دیگر تجهیزات صاحب‌منصبان و سربازان و سواران و توپ‌چیان به کار مشغول بودند (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۷).

۵. سربازخانه‌های اصفهان

براساس گزارش ژوبر، در دهه اول حکومت فتح‌علی‌شاه، سربازخانه و خسته‌خانه نظامی ثابت و انبار آذوقه‌گیری ارتش در ایران وجود نداشته‌است (ژوبر، ۱۳۴۷، ص ۲۱۵). به‌نظر می‌رسد که در آن زمان بیشتر از فضای کاروان‌سراها و قلعه‌ها برای استراحت سربازان و یا انبار تجهیزات نظامی استفاده می‌کرده‌اند. در دوره ناصرالدین‌شاه، سربازخانه‌های بسیاری در سراسر کشور ساخته و مرمت شد. دولت سربازخانه‌ها را همانند طرح کاروان‌سرا به‌شکل مستطیل و یا مربع با اتاق‌هایی کوچک بدون پنجره و امکانات خاص می‌ساخت (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۵۶). هم‌چنین در این دوره بسیاری از کاروان‌سراهای قدیمی و بایر به تأسیسات نظامی به‌ویژه سربازخانه و محل اسکان صاحب‌منصبان نظامی تبدیل شدند.

نوبیوشی فورو کاوا، یکی از اعضای هیئتی ژاپنی بود که در دوره ناصرالدین‌شاه در ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م از ایران دیدن کرد. او سربازخانه را محوطه‌ای مستطیلی به‌طول و

عرض تقریبی ۱۴ در ۶ متر و ارتفاعی حدود ۵ متر گزارش کرده که دروازه‌ای در میانش قرار داشته‌است و دورتادور آن، اتاق‌هایی با مساحت حدود ۳ متر در ۹ متر برای اسکان سربازان ساخته بودند. هر اتاق دو پنجره کوچک داشت که به‌سختی باز می‌شد و به‌ندرت هوای مطبوع در اتاق‌ها جریان داشت. کف‌پوش اتاق‌ها آجر بود و تخت‌خواب نداشت. بستر سربازان حصیر بود و لباس‌هایشان را درون بقچه می‌پیچیدند و روی سکوی اتاق می‌گذاشتند. در هر اتاق بین ۶ تا ۱۲ سرباز زندگی می‌کرد. فضای میان ساختمان، میدان مشق بود و در وسط آن سکویی به‌بلندی یک تا دو متر و طول حدود ۸ متر قرار داشت که زیر آن را آب‌انبار ساخته بودند. در گوشه زمین مشق، ابزار ورزش و تمرین نظامی تعبیه کرده بودند (فورو کاوا، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰).

ظل السلطان در دهه اول حکومتش در اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومتش به ساخت و تجهیز تأسیسات نظامی پرداخت؛ زیرا امکان فرماندهی و انتظام امور چندهزار سربازی که شاه، مسئولیت آن‌ها را -به‌ویژه پرداخت مواجیشان را- به او سپرده بود، با اسکان موقت آن‌ها در کاروان‌سراهای بازار و بدون داشتن اردوگاه و محل استقرار مناسب فراهم نمی‌شد (Walcher, 2008, p81)؛ بنابراین او چهار سربازخانه، دو توپ‌خانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی در محدوده اصفهان دایر کرد. براساس گزارش واگنر^۱، فوج‌های پیاده‌نظام، سواره و توپ‌خانه هرکدام سربازخانه مخصوص با میدان وسیع برای مشق نظام داشتند. در آن سربازخانه‌ها، نهرهای آب جاری بود و اتاق‌های سربازان، سواران و توپ‌چیان نور کافی و طاقچه برای گذاشتن اسلحه و لباس داشت و برای هر سرباز وسایل استراحت مخصوص آن فرد مهیا بود. صاحب‌منصبان از فرمانده به پایین با هدف برقراری نظم در امور قشون در سربازخانه‌ها مسکن داشتند. در هر سربازخانه وسایل موردنیاز برای مشق و فنون نظامی موجود بود و هر یک از فوج‌های پیاده‌نظام و توپ‌خانه در سربازخانه خود ژیمناستیک^۲ مشق می‌کردند. هم‌چنین در هر سربازخانه طبیب و پرستاران به کار مشغول بودند و سربازان بیمار در اتاق‌های دیگری به‌غیر از محل استراحت خود پرستاری و مداوا می‌شدند. به‌هنگام اردو کشی و مشق‌های جنگی، مریض‌خانه‌های متحرک هر قشون را بار قاطر می‌کردند تا به‌همراه پیاده‌نظام و یا واحد توپ‌خانه حرکت کند. واگنر در این گزارش به کم‌بودن تعداد ارباب‌های توپ و کهنه‌بودن وسایل توپ‌کشی همانند سراسر ایران اشاره کرده‌است. کودکان سربازان، توپ‌چیان و سواران در رده سنی بین شش تا چهارده سال همانند پدرانشان در مدرسه‌ای با هزینه شخصی ظل السلطان، خواندن و نوشتن، ریاضی، مشق نظام و ژیمناستیک می‌آموختند (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۷-۱۵). به تصویر (۱) نگاه کنید، کودکی اسلحه‌به‌دست در کنار دیگر

1. Wagner.

۲. در فرهنگستان، معادل واژه فرانسوی

gymnastic، کلمه چم‌ورزی است!



سربازان دیده می‌شود. این کودک در تصویر (۴) کنار توپ ایستاده است. در تصویر (۷) بیش از سی کودک با لباس نظامی در کنار سربازان ژیمناستیک فوج جلالی دیده می‌شوند که نشان‌دهنده آموزش فنون نظامی به کودکان است.

سربازخانه‌های چهارحوض، نقش جهان، فتحیه و ناصری جزو تأسیسات نظامی‌ای بودند که ظل‌السلطان به ترتیب با گسترده‌تر شدن قشونش ایجاد کرد و یا بنای آن‌ها را مطابق با سربازخانه مرمت کرد که در ادامه به هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود. گفتنی است، براساس گزارشی، ظل‌السلطان در ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م سربازخانه بزرگی هم در چهارباغ ساخته است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۲۰۴۰؛ شبیانی، ۱۳۶۶، صص ۲۲۶-۲۲۷)؛ ولی پس از آن گزارش، از وضعیت آن سربازخانه در اسناد، نسخه‌های خطی و گزارش‌های آن دوره خبری نیست.

۵.۱. سربازخانه چهارحوض

یکی از ورودی‌های میدان نقش جهان، دروازه‌ای در ضلع غربی این میدان، در نزدیکی عمارت عالی‌قاپو است که در زمان ظل‌السلطان به نام دروازه توپ‌خانه شناخته می‌شد و به سازه توپ‌خانه پیاده قشون او می‌رسید. او دو ستون دیده‌بانی در سردر این توپ‌خانه رو به میدان نقش جهان ساخته بود که در دوره رضاشاه تخریب شد و آن قسمت به شکل دوره صفوی برگردانده شد. در تصویر (۲) که هارولد اف وستون^۱ جهانگرد آمریکایی بین سال‌های ۱۳۳۶ق-۱۳۳۷ق/۱۹۱۸-۱۹۱۹م گرفته است، دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی دیده می‌شود.



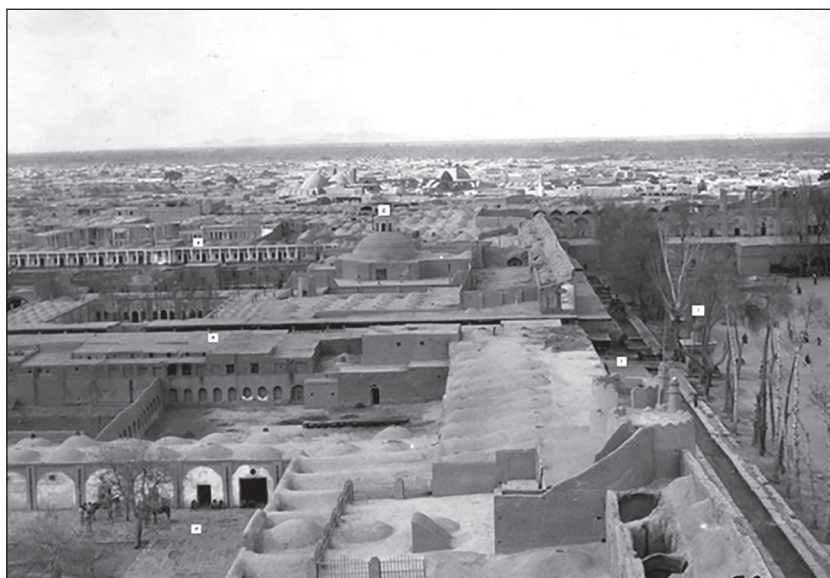
۱. Harold F. Weston.

تصویر ۲

دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی
The National Geographic Maga-
(zine, 1921, p89)



زمان گزارش شاردن، حوض‌ها را پر کرده بوده‌اند (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۴۶۳). والتر میتل هولتسر^۱ در ۱۳۴۲ق/۱۹۲۴م، تصویر (۳) را از بالای عمارت عالی قاپو به سمت شمال گرفته‌است. سقاخانه در گوشه سمت راست با شماره (۱) و برج دیده‌بانی با شماره (۲) دیده می‌شود. روبه‌روی آن، ورودی بازار مسگرها و سربازخانه چهارحوض است که با شماره (۴) و محل توپ‌خانه سابق با شماره (۳) مشخص شده‌است که در آن مقطع زمانی محل اداره‌های دولتی از جمله شهربانی و شعبه انحصار دخانیات بوده‌است. گفتنی است، سقاخانه، دروازه توپ‌خانه و برج دیده‌بانی چون از ملحقات پس از دوره صفوی بوده، در دهه اول حکومت پهلوی برجیده شده‌است.



تصویر ۳

سقاخانه، بخشی از محل توپ‌خانه
و سربازخانه چهارحوض
(ETH Library Zurich,
LBS_MH02-02-0158-AL-FL)

یکی از درهای ورودی به میدان چهارحوض در سمت شمال کاخ عالی قاپو قرار داشت که سلطان محمد میرزا فرزند فتح‌علی شاه ملقب به سیف‌الدوله برای آن سردر ساخته بود. او یک دهه در دوره حکومت پدرش، حاکم اصفهان بود. در دیگری در سمت راست سرای کاخ سلطنتی و جنوب غربی میدان چهارحوض قرار داشت که به کاخ چهل ستون باز می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۴۵۶، ص ۱۴۶۳). به نظر می‌رسد، این همان دری است که محمود افغان و سپاهیانش الله‌گویان از آن وارد کاخ چهل ستون شدند (گیلانتر، ۱۳۷۱، ص ۷۳) و اشرف هم برای کشتن محمود از آن در وارد کاخ شد (آصف، ۲۵۳۷، ص ۱۶۴). دروازه سوم از طرف شمال میدان چهارحوض،

1. Walter Mittelholzer.



روبه‌روی در حمام خسروآقا بود (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۷۹). پس در سمت شمال میدان چهارحوض، حمام خسروآقا، در سمت جنوب آن کاخ عالی قاپو و توحیدخانه، در سمت شرق آن میدان نقش جهان و در سمت غرب آن تالار تیموری (موزه تاریخ طبیعی اصفهان) قرار داشته‌است. در تصویر (۴) فرماندهان و سربازان فوج جلالی، توپ‌ها و گلوله‌های توپ دیده می‌شود.

۱. این حمام که در دوره شاه‌سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی ساخته شده بود، در ۱۲۵۳ ش/۱۹۷۴م در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید؛ ولی در پی هم‌گذاری و تخریب عده‌ای، ویران شد و در بخشی از آن خیابان حکیم به خیابان عبدالرزاق کشیده شد.

۲. چال‌حوض یکی از عناصر قدیمی حمام‌ها بوده‌است که در کنار خزینه و چال آب سرد برای ذخیره آب و شنا به‌کار می‌رفته‌است. با توجه به گزارش‌های موجود از عصر صفوی در این‌که حوض‌های بزرگ و عمیقی در میدان چهارحوض بوده‌است، شکی نیست، ولی چال‌حوض در سازه سرپوشیده حمام‌ها ساخته می‌شد و گزارشی از سرپوشیده‌بودن میدان و یا بخشی از آن در منابع دوره صفوی نیست. پس به‌نظر می‌رسد، واژه چال‌حوض در پی تبدیل حرف ر به حرف لام یعنی چهارحوض (چارحوض) به چال‌حوض شکل گرفته‌است (مصاحبه با محمود زارعی، ۱۳۹۹).



تصویر ۴

توپ‌خانه ظل‌السلطان
(ساکما، ۱۳۷۴/۲۵/۹۹۹)

عکس‌هایی از سربازخانه‌های ظل‌السلطان در آرشیوها موجود است که بیشتر آن از سربازخانه چهارحوض است. «آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان» دو عکس از سربازخانه چهارحوض دارد. به تصویر (۵) نگاه کنید؛ ظل‌السلطان زیر آن نوشته‌است: «این سربازخانه چال‌حوض^۲ است. میرزا فضل‌الله خان سرتیپ و صاحب‌منصبان و سربازها و عبارت آخری گارد مخصوص ماست». به‌جز ظاهر سربازان و تفنگ‌های آن‌ها، دروازه چوبی و سردر با نقش دو شیر که تاج پادشاهی را بالا گرفته‌اند و طاق‌نماها در تصویر دیده می‌شود.



تصویر ۵

سربازخانه چهارحوض
نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و
(شکارگاه‌های ظل‌السلطان، کام، شماره ۹)

مشابه این طاق‌نماها را در تصویر (۶) هم می‌بینید که آنتوان سوروگین^۱ در دوره حکومت ظل‌السلطان گرفته و تنها زیر تصویر نوشته «اصفهان» و مکان دقیق آن را مشخص نکرده است. با توجه به سردر معروف سیف‌الدوله و طاق‌نماها به نظر می‌رسد این عکس متعلق به سربازخانه چهارحوض است. در این تصویر سربازان فوج جلالی در حال تمرین ورزش ژیمناستیک هستند و بر روی لباس سربازان حمایلی دیده می‌شود که بر روی آن نوشته است: «ظل‌السلطان به سلامت باشد».



1. Antoin Sevrugin.

تصویر ۶

سربازان ژیمناستیک فوج جلالی در
سربازخانه چهارحوض
(ساگما، ۲۵/۷۳۲۶/۹۹۹)

براساس گزارش میرزا حسین تحویلدار که کتاب خود را در بازه زمانی ۱۲۹۲-۱۲۹۴ق/۱۸۷۵-۱۸۷۷م نوشته است، حجره‌های میدان چهارحوض در ابتدای حکومت ظل السلطان، محل اسکان سربازان بوده است (تحویلدار، ۱۳۴۲، ص ۲۳). پس از او محمدمهدی اصفهانی ملقب به ارباب نوشته است که ظل السلطان میدان چهارحوض را که رو به ویرانی بود بازسازی کرد و محل اسکان و مشق سربازان قرار داد و به جای حوض‌ها، چهار باغچه در چهار طرف سازه ایجاد کرد (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۴۰).



تصویر ۷

سربازان ژیمناستیک فوج جلالی در
سربازخانه چهارحوض
(ساکما، ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۱)

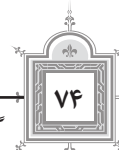
بنابه گزارش‌های موجود در روزنامه فرهنگ اصفهان، ظل السلطان در بازه زمانی انتشار آن روزنامه، چندبار میدان چهارحوض را تعمیر و مرمت کرده است. از آنجاکه این میدان در کنار عمارات دولتی قرار داشت، ظل السلطان در اواسط شعبان ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م درصد تعمیر و بازسازی دوباره آن برآمد. او سطح میدان را از بناها و سکوه‌های بیهوده صاف و سنگ‌فرش کرد. باغچه‌های آن را مرزبندی و ریگریزی کرد و حوض وسط میدان را دوباره ساخت و رشته‌قنات مخصوص میدان را لایروبی و احیا کرد. حجره‌های اطراف، بالاخانه‌ها و سردرهای آن را تعمیر، سفیدکاری و نقاشی کرد. ایوان بزرگ باشکوه میدان را مرمت و با آجر فرش کرد. پله‌هایش را سنگ‌تراشی و سقف و دیوارهای آن را سفید و نقاشی کرد. اتاق‌های بسیار بزرگ میدان با تزیینات مقرنس‌کاری را که مدت‌ها مخروبه بود، مرمت و نقاشی کرد. هم‌چنین در انبار خاکروبه و زباله پشت میدان، عمارتی با اتاق‌های

بزرگ رو به میدان برای اسکان صاحب‌منصبان نظامی ساخت. در یکی از باغچه‌های بزرگ میدان، اسباب و لوازم ژیمناستیک نصب کرد و حجره‌های اطراف میدان را محل اسکان فوج جلالی که فوج مخصوص قراولی بیوتات دولتی و ادارات حکومتی بود، قرار داد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۱۶ شوال ۱۲۹۹ق، نمره ۱۶۶ و ۳ محرم ۱۳۰۲ق، نمره ۲۷۸). هم‌چنین چند اتاق سربازخانه را به‌عنوان مریض‌خانه و دواخانه در نظر گرفت (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ رمضان ۱۳۰۳ق، نمره ۳۶۴). در گزارش دیگری، مصطفی قلی خان فراش‌باشی بار دیگر سربازخانه چهارحوض را هم‌زمان با ساخت سربازخانه ناصری و مرمت بسیاری از بناهای اصفهان مانند عمارت‌های چهل‌ستون، رکیب‌خانه، کاج و هفت‌دست، تکیه دولت و امام‌زاده احمد، قورخانه، مریض‌خانه و پل‌های خواجو، سی‌وسه‌پل و مارنان تعمیر کرد که شرح مخارج آن در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات» آمده است (نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات، کمام، برگ ۶-۵۰). مصطفی قلی خان فراش‌باشی کارگزار اجرایی طرح‌های عمرانی مصوب انجمن معارف بود و به‌جز برقراری نظم و امنیت در اصفهان و خواباندن غائله کردستان، نایب‌الحکومه خوانسار، کمره، ابرقوه، برزرو، جولاهه، کرمانشاهان، سمیرم، نجف‌آباد و توابع آن بود (بختیاری، ۱۳۹۸، صص ۳۹-۴۰). او کارگزار عمرانی و مباشر چهار سربازخانه ظل‌السلطان در اصفهان بوده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در دهه اول حکومت پهلوی، گنبد توحیدخانه زندان شد و قسمتی از سربازخانه، اداره شهربانی، دایره انحصار تریاک و شعبه انحصار دخانیات شد (جابری انصاری، ۱۳۷۸، صص ۱۴۹-۱۵۰).

۵.۲. سربازخانه میدان نقش جهان

میدان نقش جهان، محل ملاقات شاه با مردم و سفیران و عرصه نمایش‌های درباری عصر صفوی بود (Stevens, 1964, p193). شاه‌عباس اول این میدان مستطیل شکل را به طول ۵۶۰ متر و عرض ۱۶۰ متر با چهار اثر تاریخی عمارت عالی‌قاپو، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله و بازار قیصریه و حدود دویست حجره دوطبقه در چهار ضلع آن ساخت. اوژن فلاندن در ۱۲۵۶ق/۱۸۴۰م تقریباً چهار دهه پیش از حکومت ظل‌السلطان، از میدان نقش جهان دیدن کرده و بخشی از میدان را بایر و رو به ویرانی توصیف کرده است (فلاندن، ۲۵۳۶، صص ۱۵۸). در دوره ظل‌السلطان دست‌فروشان و دوره‌گردان میدان را احاطه و از هر سو چادرها و بازاری برپا کرده بودند. ظل‌السلطان پس از آن‌که فوج‌های سده، چهارمجال، فریدن و سیلاخور مأمور اصفهان شدند، برای مشق هرروزه آن‌ها در میدان و «انتظام سرباز

۱. این بنا یکی از عمارات دولت‌خانه صفوی بوده که در دوره شاه‌عباس اول احداث شده است و امروزه به نام «موزه هنرهای تزئینی اصفهان» نیز شناخته می‌شود. این عمارت برای مدتی محل سکونت ظل‌السلطان بوده است.



و سوار و مزید بر امانت و رفاه عامه مردم و تربیت قورخانه و سربازخانه مرکزی ایالات مفاوضه به خود» و در دسترس بودن «قشون احتیاطی و ذخیره برای زمان لزوم مأموریت به ایالات متبوعه سرکاری مانند عربستان و لرستان»، طرح تعمیر و بازسازی مغازه‌های اطراف میدان نقش جهان و انتقال کسبه به دکان‌های روبه‌روی کاروان‌سرای بیگدلی تا درب مسجد شیخ لطف‌الله و از آنجا به چهارسوق مقصود و ممانعت از فعالیت دست‌فروشان در میدان را در انجمن معارف مطرح کرد. این طرح به دلیل قرار داشتن حجره‌ها و مغازه‌ها در حوزه نفوذ شیخ‌الاسلام محمدتقی نجفی اصفهانی (۱۲۶۲-۱۳۳۲ق/۱۸۴۶-۱۹۱۴م) ملقب به آقانجفی، قدرتمندترین روحانی شیعه اصفهان در آن دوره، یکی از طرح‌های پرحاشیه انجمن بود که پس از تصویب انجمن و کسب اجازه از شاه، به صحنه و تأیید حاجی شیخ‌محمدباقر (۱۲۳۴-۱۳۰۱ق/۱۸۱۸-۱۸۸۳م) پدر آقانجفی رسید.



تصویر ۸

نمای جنوب غربی میدان نقش جهان
(ETH Library Zurich, LBS.)
(MH02-02-0160-AL-FL)

دکان‌ها و بازارهای پشت میدان که بیش از صد مغازه بود، با نظارت و اهتمام مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی به مدت دو ماه در ۱۲۹۸ق/۱۸۸۱م مرمت و بازسازی شد. برخی از حجره‌های رو به میدان با هدف اسکان سربازان و انبار تسلیحات نظامی مسدود و با گچ سفید پوشانده شد و تعدادی دیگر به‌عنوان آشپزخانه سربازان و اسطبل چهارپایان استفاده شدند. محوطه وسیع و باشکوه میدان نیز به محل مشق پیاده‌نظام شاهزاده تبدیل



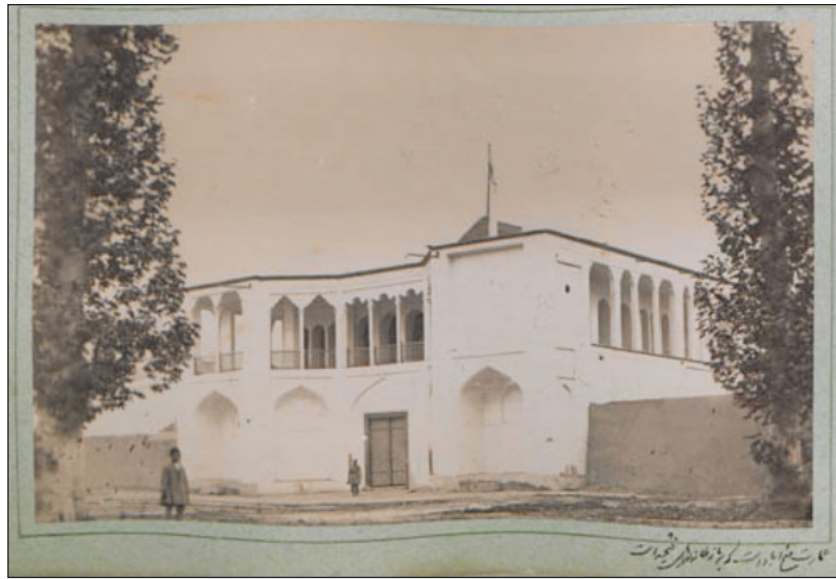
شد. هم‌چنین در انجمن مصوب کردند که پس از تعمیر نهرهای دور میدان، در کنار آن‌ها درخت‌های چنار، بید، صنوبر و گل سرخ کاشته شود (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۳ و ۳ ربیع‌الثانی ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۸). بنابه گزارشی که هانری رونه دالمانی از وضعیت میدان در دو دهه پس از آن ارائه داده است، نهرها خالی و بیشتر حجره‌ها خراب و متروک بوده است و از درختان و فضای فرح‌بخش میدان اثری نبوده است (دالمانی، ۱۳۳۵، صص ۹۲۶-۹۲۷). به تصویر (۸) نگاه کنید. این عکس را هم هولتسر از فراز کاخ عالی قاپو گرفته است؛ باین‌که چند دهه از دوره اقتدار ظل‌السلطان و سربازخانه بودن میدان می‌گذرد، حجره‌های رو به میدان هم‌چنان مسدود است.

۳.۵. سربازخانه فتحیه

کاروان‌سرای بازارچه بلند یا مادرشاه و بازارچه کنار آن که در ۱۱۲۶ ق/۱۷۱۴ م توسط شاه‌سلطان‌حسین، آخرین پادشاه صفوی بین عمارت هشت‌بهشت و مدرسه چهارباغ ساخته شده بود، بنابه گزارش روزنامه فرهنگ پس از حمله افغان‌ها سال‌ها «متروکه و مقر و پناهگاه الواط و اشرار شده بود». در ۱۳۰۱ ق/۱۸۸۳ م به دستور ظل‌السلطان این کاروان‌سرا و بازارچه را «معماران و بناهای کارآموده و مباشران کاردان» تعمیر و مرمت کردند. آن‌ها سنگ‌های اِزاره را از زیر خاک بیرون آوردند و در جای خود نصب کردند. اتاق‌های مقرنس را از نو ساختند و تعمیر کردند و بسیاری از کاشی‌ها و سنگ‌های نفیسی را که در نهر آب وسط کاروان‌سرا ریخته بود، در جای خود نصب کردند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۰۱ ق، نمره ۲۷۳). ولی با وجود این اقدامات هم‌چنان این بنا «در ظاهر یکی از خرابه‌های هولناک و جاهای سهمناک اصفهان» بوده و سنگ و آجر و کاشی آن به یغما برده می‌شده است. به همین دلیل در ۱۳۰۳ ق/۱۸۸۵ م ظل‌السلطان طرح تبدیل این کاروان‌سرا به محل اسکان صاحب‌منصبان سواره‌نظام و انبار تسلیحات نظامی را پیاده کرد. هم‌چنین از بازارچه آن به عنوان اسطبل اسب‌های صاحب‌منصبان و گارد مخصوص بهره جست و از فضای روبه‌روی کاروان‌سرا به عنوان میدان مشق سربازان سواره‌نظام استفاده کرد. مصطفی‌قلی‌خان فراش‌باشی با نظارت کریم‌خان میرپنج فرمانده سواره‌نظام، به انجام طرح مزبور مأمور شد. آن کاروان‌سرا پس از تغییر کاربری، سربازخانه فتح‌آباد خوانده شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰؛ الاصفهانی، ۱۳۳۸، ص ۵۰). در گزارش روزنامه فرهنگ به ترتیب و تنظیم قصری دلگشا ناظر به چهارباغ در سازه سربازخانه اشاره شده است (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰) که آن را در تصویر (۹) می‌بینید. ظل‌السلطان در هامش عکس نوشته است: «[این] عمارت



فتح‌آباد است که سربازخانه سوارهای فتحیه است». از آنجاکه این ساختمان به کاروان‌سرای بازارچه بلند که امروزه «مهمان‌سرای عباسی» است شباهتی ندارد، پس همان قصری است که روزنامه فرهنگ نوشته است.



تصویر ۹

سربازخانه سوار فتح‌آباد
(نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی
اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان،
شماره ۲۸)

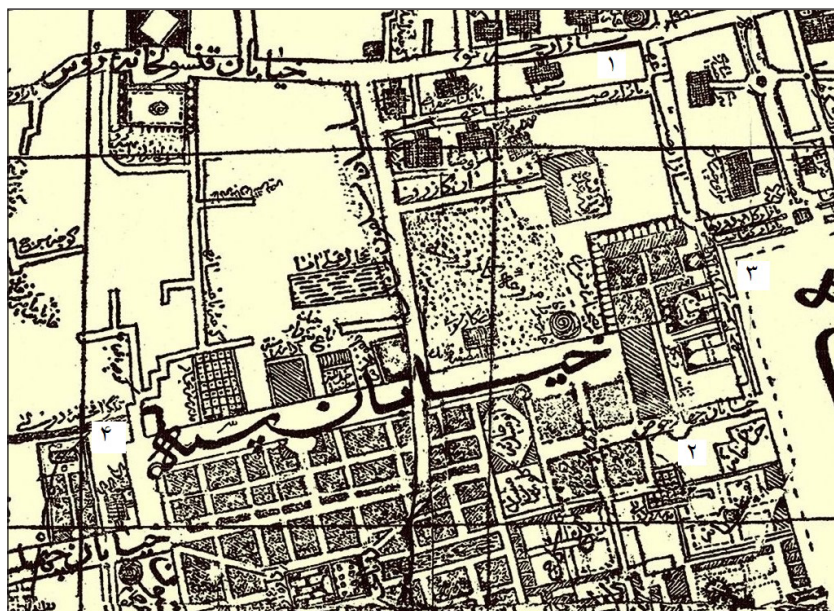
۴.۵. سربازخانه ناصری

سربازخانه ناصری که نامش «محض تیمن به نام نامی اعلی حضرت اقدس همایونی» گذارده شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ صفر ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۴)، پس از عمارت مسعودی ظل‌السلطان در تهران، باشکوه‌ترین بنایی بود که به دستور ظل‌السلطان ساخته شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۱). ظل‌السلطان سنگ بنای این سربازخانه را در روز عید فطر ۱۳۰۳ ق ۱۸۸۶ م در حضور امام‌جمعه، ملاباشی و منجم‌باشی و دیگر صاحب‌منصبان و بزرگان شهر اصفهان گذاشت و گفت: «من نیز تابع سنت حضرت رسول و پیرو اثر حکمت‌نمر پدر بزرگوام گشته و از ملل متمدنه اقتباس این اصول خیریت‌شمول را نموده خود را مفتخر می‌شمارم که اول‌خشت این بنا را که برای استراحت و آسودگی مستحفظین ناموس دین و دولت برپا می‌شود به دست خودم وضع می‌کنم» و اظهار امیدواری کرد که هم‌قطارانش از «این شیوه مرضیه و قاعده پسندیده» پیروی کنند (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۵ شوال ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۶).

نقشه اولیه سربازخانه را «مقرب‌الخاقان سرتیپ علی‌خان» از تحصیل کرده‌های پاریس



طراحی کرد. پس از آن «مقرب‌الحضرة حسین‌قلی خان سرهنگ مهندس» طبق دستورالعمل و طرح ظل‌السلطان تغییراتی اعمال کرد. بار دیگر مصطفی‌قلی خان فرارش‌باشی به‌عنوان مباشر و کارپرداز عمرانی ساخت سربازخانه منصوب شد. او به‌همراه «حاجی میرزا حبیب‌الله معمارباشی» سربازخانه را به‌مدت چهار ماه ساخت. بنابه روایت محمدمهدی ارباب سربازخانه را بر روی سازه ویران کاروان‌سرای نقش‌جهان که در جهت شمال غربی میدان نقش‌جهان قرار داشت، ساختند. کاروان‌سرای مذکور دارای صحنی وسیع، دو طبقه حجره‌های بزرگ، چهار دروازه و دهلیز و دو تیمچه ویران بود (الاصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۷۸، ص ۷۹)؛ ولی روزنامه فرهنگ که ساخت سربازخانه را به‌طور مرتب برپایه گزارش‌های مصطفی‌قلی خان فرارش‌باشی - که «از اصدقای دولت‌خواه و چاکران مؤتمن حضرت ولی‌نعمت‌زاده مفخم معظم والا» بود - رصد می‌کرد، اشاره‌ای به این کاروان‌سرا نکرده‌است. حتی شاردن هم به این سازه در دوره صفوی اشاره‌ای نداشته‌است. بااین حال نمی‌توان روایت محمدمهدی ارباب را که در دوره ظل‌السلطان کتابش را نوشته‌است، نادیده گرفت. به‌هرروی، در هر دو گزارش، محدوده مکان سربازخانه سمت شمال غربی میدان نقش‌جهان است. سربازخانه از سمت شمال به بازار صباغان (شماره ۱)، از جنوب به میدان چهارحوض و بازار مسگرها (شماره ۲)، از شرق به سربازخانه نقش‌جهان (شماره ۳) و از غرب به عمارت بادامستان که محل تلگراف‌خانه دولتی بود (شماره ۴)، محدود می‌شد. به تصویر (۱۰) نگاه کنید.



تصویر ۱۰

نقشه تاریخی دارالسلطنه اصفهان
(کتابخانه بهروز نوری خواجوی)



این تصویر قسمتی از نقشه سیدرضاخان یکی از کارمندان بلدیة است که در ۱۳۰۲ ش/۱۳۴۱ ق/۱۹۲۳ م از خیابان‌ها و محلات شهر اصفهان کشیده‌است. همان‌طور که می‌دانید بازار قیصریه سمت شمال میدان چهارحوض و بازار مسگرها در غرب میدان نقش جهان بر روی نقشه در محدوده جبه‌خانه دیده می‌شود. هم‌چنین تلگراف‌خانه دولتی در جنوب سربازخانه، محدوده سربازخانه ناصری را بر روی نقشه به ما می‌نمایاند. همان‌طور که در تصویر دیده می‌شود، بر روی سازه پیشین سربازخانه، بانک شاهی، مریم‌خانه قشون، اداره عدلیه، اداره امنیه، تلفن‌خانه و دیگر تأسیسات دولتی ساخته شده‌است.

سربازخانه ناصری بنایی مستطیل‌شکل با هفتادوشش اتاق بزرگ بود که در طول بیست اتاق و در عرض هجده اتاق داشت و در وسط هر یک راهرویی وسیع بود. هر اتاق سه بخاری، یک در بزرگ و ده پنجره هلالی با قابلیت بازوبسته شدن داشت. نهر فدا از وسط این سربازخانه می‌گذشت. در یکی از زوایای رو به باغ سربازخانه، بیمارخانه و دواخانه نظامی ساخته شد. براساس گزارش روزنامه، گنبدی وسیع و مرتفع بر جای مانده از بنایی قدیمی را به‌عنوان انبار تجهیزات نظامی و اسلحه‌خانه تعیین کردند و در دو طرف گنبد «دو باب خلوت مخصوص نشیمن صاحب‌منصبان» ساختند. به نظر می‌رسد گنبد مذکور از بقایای کاروان‌سرای نقش جهان باشد که محمد مهدی ارباب به آن اشاره کرده بود. به‌جز چند باب بالاخانه در سردر دروازه رو به باغ برای اسکان سربازان در جلوخان این سربازخانه دو باب خلوت شامل سی‌ودو اتاق بزرگ برای فوج جلالی ساخته شد. در وسط هر یک از خلوت‌ها خیابان وسیعی هم برای عبور و مرور سربازان در هنگام مشق احداث شد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۱). به تصویر (۳) نگاه کنید. به نظر می‌رسد شماره (۵) محل انبار تجهیزات نظامی و اسلحه‌خانه و دو باب آن محل استراحت صاحب‌منصبان سربازخانه ناصری است و آن ردیف اتاق‌های سفید با پنجره‌های هلالی شکل (شماره ۶) بیمارخانه و دواخانه سربازخانه است. هم‌چنین با توجه به طاق‌نماها و پنجره‌های هلالی شکل تصویر (۱۱) نیز به نظر می‌رسد که این مکان سربازخانه ناصری باشد.



تصویر ۱۱

سربازان فوج جلالی در سربازخانه ناصری
(ساکنه، ۱۳۲۷/۲۵/۹۹۹)

هزینه ساخت این سربازخانه که با هدف اسکان فوج چهارمحال ساخته شد، در ابتدا به جز موجودی انبار دیوان، هفده هزار تومان تخمین زده شد؛ ولی با تغییر نقشه بنا و افزودن بناهای دیگر به سربازخانه به بیش از چهل و دو هزار تومان رسید (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۵ شوال ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۶ و ۲۱ صفر ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۴). در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنائی سنه ماضیه ایتیل سربازخانه جدیدالبناء و سایر عمارات مبارکات» که توسط «معمدا الخاقان مصطفی قلی خان فراش باشی» تهیه شده است، ابتدا مخارج کلی سربازخانه و عمارات به صورت جداگانه آمده است و پس از آن، هر یک به صورت جزئی و ریز حساب به صورت روزانه نوشته شده است. تمامی صفحات کتابچه را مصطفی قلی خان مهر کرده و مقرب الخاقان میرزا حسین خان مستوفی بر محتوای آن در حاشیه برگ هفتم کتابچه در شوال ۱۳۰۴ ق/جولای ۱۸۸۷ م صحنه گذاشته و تأکید کرده است که «اسناد خرج از قبیل روزنامهچه، مقاطعه نامهچه و قبوضات موجود است» (نسخه خطی کتابچه مخارج بنائی سربازخانه و سایر عمارات، برگ ۱۰).^۱ در ربیع الثانی ۱۳۰۶ ق/ژانویه ۱۸۸۹ م نزدیک به دو سال پس از آن، صحنه دیگری بر حاشیه صفحه آغازین متن کتابچه دیده می شود که نشان دهنده بررسی دوباره اسناد مالی مصطفی قلی خان پس از برکناری اش از منصب فراش باشی و حکومت عراق است (بختیاری، ۱۴۰۲، صص ۵-۶).

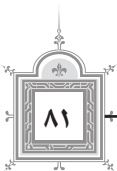
۱. عنوان برخی از نسخه های خطی با عنوان ثبت شده در آرشیوها متفاوت است. در این نسخه خطی نیز عنوانی که محرر نسخه نوشته است با عنوانی که در آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ثبت شده است، متفاوت است.



ظل‌السلطان، جزئی‌ترین امور مربوط به این سربازخانه را به‌شخصه رسیدگی می‌کرد و چنانچه گفته شد، تغییراتی در نقشه بنا برای توسعه تشکیلات نظامی خود اعمال کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۰۳ق، نمره ۳۸۱). او در اواسط صفر ۱۳۰۴ق/ نوامبر ۱۸۸۶م مراسم افتتاحیه بزرگی «با حضور جمیع اصحاب مناصب مملکی و لشکری و شاهزادگان عظام و امیرزادگان و جمعی از اعظام و اعیان فوج‌های جلالی و چهارمحل^۱» برگزار کرد و به مصطفی قلی‌خان و مهندس سربازخانه خلعت پوشانید و از همه سربازان پذیرایی کرد (روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۱ صفر ۱۳۰۴ق، نمره ۴۰۴). سرتیپ واگنر در گزارش خود درباره سربازخانه ناصری نگاشته‌است: «سربازخانه فوج چهارمحالی به‌طرز خوش و وضع دلکشی تازه بنیاد و تمام شده‌است» (نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان، برگ ۱۵). یک‌سال و نیم پس از افتتاح این سربازخانه، ظل‌السلطان از اریکه حکومت بر بیش از نیمی از کشور به زیر کشیده شد. او که در مراسم کلنگ‌زنی سربازخانه، هم‌قطاران خود را به تأسیس بناهای عام‌المنفعه فرامی‌خواند، نتوانست موقعیت خود را حفظ کند و تعداد سربازانش از بیست و یک‌هزار نفر به پانصد تن رسید که برای حفاظت از عمارت‌های دولتی هم کافی نبود. وجود سربازخانه‌ها و انبارهای تسلیحات نظامی که گمان می‌کرد توجه شاه را به استعداد لشکرپروری‌اش جلب می‌کند، تنها موجب «حسرت و مُتافی به پلتیک دولتش» شد و «در پیشگاه همایونی مبالغاتی به استعداد و استبداد عساکر تابعه [اش]» کردند (نسخه خطی یادداشت‌های جابری انصاری، کمام، برگ ۸) که نگرانی و وحشت پدر تاجدارش را در پی داشت (شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء، ۱۳۶۱، صص ۱۷۱-۱۷۲). ظل‌السلطان هم پس از آن‌که اطمینان حاصل کرد که دیگر به سریر قدرت باز نمی‌گردد، سربازخانه ناصری را که بارها شکوه و عظمت و سبک معماری آن را ستوده بود، خراب کرد و مصالح آن را فروخت.

۶. نتیجه‌گیری

ظل‌السلطان، فرزند ناصرالدین‌شاه بیش از سه دهه حکومت اصفهان را در دست داشت. او در دهه اول حکومت خود در اصفهان، تشکیلات نظامی گسترده‌ای شامل چهار سربازخانه، دو توپخانه پیاده و سواره و چند انبار تسلیحات نظامی بنیان نهاد. ظل‌السلطان در کنار حکم سرپرستی فوج‌هایی که شاه به او می‌سپرد، در مناطق تحت حکومت خود هم، فوج نظامی مجهز تشکیل می‌داد؛ به طوری که حدود بیست و یک‌هزار سرباز شامل افواج ثلاثه اصفهان، افواج خمسه عراق، افواج اریعه کرمانشاهان، فوج کمره، فوج سیلاخور، فوج گلپایگان، فوج امرایی، فوج پشت‌کوهی و سواره بختیاری، فارس، بروجرد، کرمانشاهان^۱ چهارمحل.



و لرستان در خدمت او بودند. طبق محتوای کتابچه‌های مالی مواجب و سیورسات قشونِ ظل‌السلطان و گزارش‌های روزنامه فرهنگ اصفهان به نظر می‌رسد که دلیل موفقیت ظل‌السلطان در تشکیل قشون منظم، توجه مستمر او به آموزش و تربیت نیروی نظامی، پرداخت به موقع مواجب شش ماهه و سالیانه صاحب‌منصبان، سربازان، سواران و توپ‌چیان و تهیه تجهیزات نظامی و وسایل موردنیاز برای مشق قشون بوده است.

ظل‌السلطان برای هر فوج پیاده‌نظام و سواره و توپ‌خانه، سربازخانه مخصوص با میدان وسیع برای مشق نظام ساخته بود و چند انبار ذخیره برای رفع نیاز روزانه هر فوج در سطح شهر اصفهان و دیگر ولایات تحت حکومتش داشت. در سربازخانه‌های اصفهان، نهرهای آب جاری بود و اتاق‌های سربازان، سواران و توپ‌چیان، نور کافی، جای اسلحه و لباس و وسایل استراحت مناسب داشت. در هر سربازخانه اسباب و لوازم موردنیاز برای مشق و فنون نظامی موجود بود و هریک از فوج‌های پیاده‌نظام و توپ‌خانه در سربازخانه خود مشق ژیمناستیک می‌کردند. هم‌چنین هر سربازخانه، به مریض‌خانه برای سربازان مجهز بود. کودکان سربازان، توپ‌چیان و سواران در رده سنی بین شش تا چهارده سال همانند پدرانشان در مدرسه‌ای با هزینه شخصی ظل‌السلطان، خواندن و نوشتن، ریاضی، مشق نظام و ژیمناستیک می‌آموختند.

سربازخانه‌های چهارحوض، نقش جهان، فتحیه و ناصری جزو تأسیسات نظامی‌ای بودند که ظل‌السلطان با گسترده‌تر شدن قشونش ساخت و یا بنای آن‌ها را مطابق با سربازخانه مرمت کرد. براساس اسناد و مدارک، مباشر و کارپرداز عمرانی ساخت سربازخانه‌ها، مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی بوده است. سربازخانه چهارحوض نخستین بنایی بود که مصطفی‌قلی خان به دستور ظل‌السلطان با هدف اسکان سربازان و صاحب‌منصبان و پادگان مشق سربازان بازسازی و مرمت کرد. پس از آن حجره‌ها و فضای میدان نقش جهان را متناسب با کاربری انبار تسلیحات نظامی، اسکان سربازان و محل مشق نظامی و رژه سربازان به مدت دو ماه مرمت کرد. هم‌چنین او به دستور ظل‌السلطان کاروان‌سرای مادرشاه و بازارچه کنار آن را با هدف تغییر کاربری به انبار تسلیحات نظامی و سربازخانه سواره فتحیه، بازسازی و مرمت کرد. براساس گزارش روزنامه فرهنگ و تصویری که در «آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل‌السلطان» موجود است، روبه‌روی این کاروان‌سرا ساختمانی هم برای اسکان صاحب‌منصبان سواره‌نظام ساخته شد.

سربازخانه ناصری پس از عمارت مسعودی ظل‌السلطان در تهران، یکی از باشکوه‌ترین بناهایی بود که به دستور ظل‌السلطان در مدت چهار ماه ساخته شد. مصطفی‌قلی خان فراش‌باشی، مباشر و کارپرداز عمرانی این بنا در نسخه خطی «کتابچه مخارج بنایی



سربازخانه و سایر عمارات»، شرح ریز مخارج ساخت سربازخانه را نگاشته است. این سربازخانه که در ابتدا با هدف محل اسکان فوج چهارم محال ساخته شده بود، به تدریج با تغییراتی که ظل السلطان در نقشه بنا ایجاد کرد، به محلی برای توسعه تشکیلات نظامی او تبدیل شد. پس از برکناری ظل السلطان از قدرت و کاهش تعداد سپاهیان به پانصد نفر، وجود سربازخانه‌ها به ویژه سربازخانه ناصری و انبارهای تسلیحات نظامی همچون خاری در چشم ناامید او بود؛ به همین دلیل او در کنار تعطیلی روزنامه فرهنگ اصفهان و تخریب بسیاری از بناهای تاریخی اصفهان، سربازخانه ناصری را نیز ویران کرد.

منابع

نسخه‌های خطی

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کِمام)
نسخه خطی آلبوم عکس ابنیه قدیمی اصفهان و شکارگاه‌های ظل السلطان. شماره مدرک ۱۱۷۷۲.
نسخه خطی رساله طبّی. شماره مدرک ۱۸۵۶۹-۱۰.
نسخه خطی رساله مجدیه. شماره مدرک ۱۸۶۶۲.
نسخه خطی قوانین تنظیمات ایران، شماره مدرک ۱۰۳۸۶۶۹.
نسخه خطی کتابچه اسامی مشخصات صاحب منصبان و سربازان فوج جلالی. شماره مدرک ۲۹۲۸۷-۱۰.
نسخه خطی کتابچه راپورت نظامی اصفهان. شماره مدرک ۷۶۹۱.
نسخه خطی کتابچه مخارج بنایی سربازخانه و سایر عمارات. شماره مدرک ۲۹۱۷۷-۱۰.
نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل السلطان و دستورالعمل درباره افواج و سوارها در قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره مدرک ۲۹۲۶۳-۱۰.
نسخه خطی کتابچه مواجب و سیورسات قشون ظل السلطان و دستورالعمل درباره فوج سواری سنه ۱۳۰۰. شماره مدرک س ۱۰۳۲.
نسخه خطی مواجب و سیورسات اطباء و جراحان افواج در قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره مدرک ۲۹۶۳۸-۱۰.
نسخه خطی مواجب و سیورسات افواج ولایت در اداره ظل السلطان قوی ئیل ۱۳۰۰. شماره بازیابی ۲۹۶۵۲-۱۰.
نسخه خطی مواجب و سیورسات سوار و قراسوران مستحفظین ظل السلطان در سنه ۱۳۰۰. شماره مدرک س ۱۱۵۵/۷۵.
نسخه خطی یادداشت‌های جابری انصاری. شماره مدرک ۱۳۵۸۸.

اسناد منتشر نشده

سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما): ۹۹۹/۲۵/۷۳۱۹؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۱؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۶؛ ۹۹۹/۲۵/۷۳۲۷؛ ۹۹۹/۲۵/۷۴۱۵

کتابخانه بهروز نوری خواجهی: نقشه تاریخی دارالسلطنه اصفهان.

اسناد منتشر شده

اسناد تاریخی خاندان غفاری. (ج ۲). (۱۳۸۵). (کریم اصفهانیان و بهرام غفاری و علی اصغر عمران، کوشش گران). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۴۹). اسناد نویافته. تهران: بابک.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۰). اسناد برگزیده از سپه سالار، ظل السلطان، دبیر الملک. تهران: باشگاه ادبیات.

صفائی، ابراهیم. (۱۳۵۲). یک صد سند تاریخی. تهران: چاپخانه شرق.

صفائی، ابراهیم. (۲۵۳۵). برگ های تاریخ دوران قاجاریه. تهران: بابک.

کتاب

آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۲۵۳۶). افکار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار. تهران: آگاه.

آصف، محمد هاشم. (۲۵۳۷). رستم التواریخ. (ج ۳). (محمد مشیری، مصحح و حاشیه نویس). تهران: امیر کبیر.

الاصفهانی، محمد مهدی بن محمد رضا. (۱۳۶۸). نصف جهان فی تعریف الاصفهان. (منوچهر ستوده، مصحح و حاشیه نویس). تهران: امیر کبیر.

اعتماد السلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۷). تاریخ منتظم ناصری. (ج ۳). (محمد اسماعیل رضوانی، محقق و مصحح). تهران: دنیای کتاب.

اوین، اوژن. (۱۳۶۲). ایران امروز. (علی اصغر سعیدی، مترجم و کوشش گر). تهران: زوآر.

تحویلدار، میرزا حسین خان. (۱۳۴۲). اصفهان. (محمد ستوده، کوشش گر). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات جغرافیایی.

جابری انصاری، میرزا حسن خان. (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان. (جمشید مظاهری، کوشش گر). اصفهان: مشعل.

دالمانی، هانری رونه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. (محمد علی فره وشی، مترجم). تهران: امیر کبیر.

ژوبر، پیر آمده. (۱۳۴۷). مسافرت در ایران و ارمنستان. (علی قلی اعتمادمقدم، مترجم). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

شاردن، ژان. (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. (ج ۴). (اقبال یغمایی، مترجم). تهران: توس.

شرح حال عباس میرزا ملک آراء. (۱۳۶۱). (عبدالحسین نوائی، کوشش گر). تهران: بابک.



- شیبانی، میرزا ابراهیم. (۱۳۶۶). *منتخب التواریخ*. تهران: محمدعلی علمی.
- ظل السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۲). *تاریخ سرگذشت مسعودی: زندگی نامه و خاطرات ظل السلطان همراه با سفرنامه فرنگستان*. تهران: بابک.
- فلاندن، اوژن. (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. (ج ۳). (حسین نورصادقی، مترجم). تهران: اشراقی.
- فورو کاوا، نوبیوشی. (۱۳۸۴). *سفرنامه فورو کاوا*. (هاشم رجبزاده و کینیچی ئه اورا، مترجمان). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۲۶). *تحولات سیاسی نظام ایران*. تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱، ج ۲). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: علمی و فرهنگی.
- گیلاتنز، پطرس دی سرکیس. (۱۳۷۱). *سقوط اصفهان*. (ج ۲). (محمد مهریار، مترجم). اصفهان: گل‌ها.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۷۴). *چهل سال تاریخ ایران*. (ج ۱). (ج ۲). (ایرج افشار، محقق و مصحح). تهران: اساطیر.
- ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران*. (ج ۲). (میرزا اسماعیل حیرت، مترجم). تهران: افسون.
- ویلسن، چارلز جیمز. (۱۳۶۶). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. (ج ۲). (سید عبدالله، مترجم؛ جمشید دودانگه و مهرداد نیک‌نام، کوشش گران). تهران: طلوع.

مقاله

- استودارت، کلنل. (۱۳۴۹). «گزارشی درباره ارتش ایران در زمان محمدشاه قاجار». (احسان‌الله اشراقی، مترجم). *بررسی‌های تاریخی*، ۵(۲)، صص ۱۲۳-۱۳۴.
- بختیاری، سمیه. (۱۳۹۸). «عراق در دوره حکومت مصطفی قلی خان فرّاش‌باشی». *گنجینه اسناد*، ۲۹(۲)، صص ۳۲-۷۱.
- بختیاری، سمیه. (۱۴۰۲). «مصطفی قلی خان، فرّاش‌باشی ظل السلطان در آیین اسناد و نسخه‌های خطی». *پژوهش‌نامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، [زودآیند].
- قائم مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۶). «ورقی از تاریخ ارتش ایران: تاریخچه سربازگیری در ایران». *بررسی‌های تاریخی*، ۲(۲)، صص ۶۴-۹۲.

مطبوعات

- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۹ جمادی الاول ۱۲۹۶ ق، نمره ۲.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۳ جمادی الآخر ۱۲۹۷ ق، نمره ۴۶.
- روزنامه فرهنگ اصفهان، ۲۵ صفر ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۳.



- روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق، نمره ۸۸.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۶ شوال ۱۲۹۹ ق، نمره ۱۶۶.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۷ ذی قعدة ۱۳۰۱ ق، نمره ۲۷۳.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ محرم ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۷۸.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۹ صفر ۱۳۰۲ ق، نمره ۲۸۶.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۴ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۳.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۱ رمضان ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۴.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۵ شوال ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۶۶.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۵ ذی قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۰.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۹ ذی قعدة ۱۳۰۳ ق، نمره ۳۸۱.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۱ صفر ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۴.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۳ ربیع الاول ۱۳۰۴ ق، نمره ۴۰۷.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۲۴ صفر ۱۳۰۵ ق، نمره ۵۰۶.
 روزنامه فرهنگ اصفهان ۱۴ جمادی الآخر ۱۳۰۵ ق، نمره ۵۳۷.

مصاحبه منتشر نشده

زارعی، محمود. (۱۳۹۹). بازنستته آموزش و پرورش و اصفهان شناس (۵۶ ساله). موضوع مصاحبه: «اصفهان در دوره حکومت ظل السلطان». مصاحبه کننده: نگارنده. محل مصاحبه: میدان نقش جهان. آرشیو شخصی.

منابع لاتین

Photographic documents

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS_MH02-02-0158-AL-FL / Public Domain Mark.
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274607>

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS_MH02-02-0160-AL-FL / Public Domain Mark.
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274609>



Book

Sheil, Lady. (1856). *Glimpses of Life and Manners in Persia*. London: William Clowes and Sons.

Stevens, Roger. (1964). *La Persia: The Land of the Great Sophy*. Milano: Officine Grafiche Garzanti.

The National Geographic Magazine. (1921). Washington: The National Geographic Society.

Walcher, Heidi A. (2008). *In the Shadow of the King: Zill al-Sultān and Isfahān under the Qājārs*, London: I.B Tauris & Co Ltd.

Article

Benjamin, S. G. W. (1886). "Persia and the Persians". *Journal of the American Geographical Society of New York*, Vol. 18, pp 27-66, p64.

English Translation of References

Manuscripts

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

"*Nosxe-ye xatti-ye ālbom-e 'ax-e abniye-ye qadimi-ye Esfahān va šekārgāh-hā-ye Zell-os-Soltān*" (The manuscript of the photo album of the old building of Isfahan and the hunting grounds of Zell al-Sultan). Document number 11772. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye tebbi*" (Manuscript of a medical treatise). Document number 10-18569. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye resāle-ye Majdiyyeh*" (Manuscript of Majdiyyeh treatise). Document number 18662. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye qavānin-e Tanzimāt-e Irān*" (Manuscript of Iran's regulations). Document number 1038669. [Persian]

"*Nosxe-ye xatti-ye ketābče-ye asāmi-ye mošaxxasāt-e sāheb-mansabān va sarbāzān-e foj-e Jalāli*" (Manuscript of the booklet of the names of the officers



and soldiers of the Jalali Regiment). Document number 10-29287. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye rāport-e nezāmi-ye Esfahān” (Manuscript of Isfahan military report booklet). Document number 7691. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye maxārej-e bannāyi-ye sarbāz-xāneh va sāyer ‘emārāt” (Manuscript of the booklet of construction expenses for barracks and other buildings). Document number 10-29177. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye mavājeb va siyursāt-e qoṣun-e Zell-os-Soltān va dastur-ol-‘amal darbāre-ye avfāj va savār-hā dar quy-il 1300” (Manuscript of the salary and provisions booklet of Zell al-Sultan’s army and instructions on the troops and cavalry in the sheep year 1300 SH / 1921 AD). Document number 10-29263. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye ketābčē-ye mavājeb va siyursāt-e qoṣun-e Zell-os-Soltān va dastur-ol-‘amal darbāre-ye fowj-e savāri sane-ye 1300” (The manuscript of the salary and provisions book of Zell al-Sultan’s army and the instructions on the cavalry in the year 1300 SH / 1921 AD). Document number 1032س. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e atebbā’ va jarrāhān-e avfāj dar qoy-il 1300” (Manuscript of salaries and supplies of army doctors and surgeons in the sheep year 1300 SH / 1921 AD). Document number 10-29638. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e avfāj-e velāyat dar edāre-ye Zell-os-Soltān qoy-il 1300” (Manuscript of wages and provisions of the provincial forces in Zell al-Sultan administration in sheep year 1300 SH / 1921 AD). Retrieval number 10-29263. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye mavājeb va siyursāt-e savār va qarāsūrān-e mostahfezin-e Zell-os-Soltān dar sane-ye 1300” (The manuscript of the salaries and provisions of Zell al-Sultan’s guards and roadmen in the year 1300 SH / 1921 AD). Document number 1155/75س. [Persian]

“Nosxe-ye xatti-ye yāddāšt-hā-ye Jāberī-ye Ansāri” (Manuscript of Jaberi Ansari’s notes). Document number 13588. [Persian]



Unpublished documents

- Ketāb-xāne-ye Behruz-e Nuri-ye Xājavi: *“Naqše-ye Dār-os-saltane-ye Esfahān”* (Historical map of Isfahan as the capital of the Kingdom). [Persian]
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran): 999/25/7319; 999/25/7321; 999/25/7326; 999/25/7327; 999/25/7415. [Persian]

Published documents

- “Asnād-e tārixi-ye Xāndān-e Qaffāri”* (Historical documents of Ghaffari family) (vol. 2). (1385/2006). Edited by Karim Esfahanian, Bahram Ghaffari, & Ali Asghar Omran. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud-e Afšār (Dr. Mahmoud Afshar Foundation). [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (1350/1971). *“Asnād-e bargozide az sepah-sālār, Zell-os-Soltān, Dabir-ol-Molk”* (Selected documents from Sepehsalar, Zell al-Sultan, Dabir al-Mulk). Tehran: Bāšgāh-e Adabiyāt. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (1349/1970). *“Asnād-e no-yāfteh”* (Newly-found documents). Tehran: Bābak. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (1352/1973). *“Yeksad sanad-e tārixi”* (One hundred historical documents). Tehran: Čāpxāne-ye Šarq. [Persian]
- Safayi, Ebrahim. (2535/1956). *“Barg-hā-ye tārix-e dōwrān-e Qājāriyeh”* (The pages of the history of Qajar period). Tehran: Bābak. [Persian]

Books

- Adamiat, Fereidoun; & Nategh, Homa. (2536/1957). *“Afkār-e ejtemā’ee, siyāsi va eqtesādi dar āsār-e montašer-našode-ye dōwrān-e Qājār”* (Social, political and economic thoughts in the unpublished works of the Qajar era). Tehran: Āgāh. [Persian]
- Al-Esfahani, Mohammad Mahdi Ibn Mohammadreza. (1368/1989). *“Nesf-e jahān fi ta’rif-el-Esfahān”* (Half of the world as a definition of Isfahan). Edited and annotated by Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Amir Kabir. [Persian]



- Asef, Mohammad Hashem. (2537/1958). *“Rostam-ot-tavārix”* (Rostam al-Tavarikh) (3rd ed.). Edited and annotated by Mohammad Moshiri. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Aubin, Eugene. (1362/1983). *“Irān-e emruz (1906-1907)”* (La Perse d’aujourd’hui, Iran, mesopotamie) [Persia Today, Iran, Mesopotamia]. Translated and edited by Ali Asghar Saeedi. Tehran: Zovvār. [Persian]
- Chardin, Jean. (1372/1993). *“Safar-nāme-ye Šārden”* (Voyages en Perse) [Trips in Iran]. (vol. 4). Translated by Eghbal Yaghmayi. Tehran: Tus. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2000). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question). (vols. 1 & 2). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]
- D’Allemagne, Henry Rene. (1335/1956). *“Safarnāme-ye az Xorāsān tā Baxtiāri”* (Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de voyage en Perse) [From Khorassan to the land of the Backhtiaris: Three months of travel in Persia]. Translated by Mohammad Ali Farahvashi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Etemad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1367/1988). *“Tārix-e montazam-e Nāseri”* (Naseri history in verse) (vol. 3). Researched and edited by Mohammad Esmael Rezvani. Tehran: Donyā-ye Ketāb. [Persian]
- Flandin, Eugene. (2536/1957). *“Safarnāme-ye Ožen Flanden be Irān”* (Voyage en Perse 1840 – 1841) [Travel to Iran 1840 – 1841] (3rd ed.). Translated by Hossein Nour Sadeghi. Tehran: Ešrāqi. [Persian]
- Furukawa, Nobuyoshi. (1384/2005). *“Safarnāme-ye Forukāvā”* (Travels of Nobuyoshi Furukawa member of the general staff the deputy of and first embassy of Japan to Persian). Translated by Hashem Rajabzadeh, & Kinji Eura. Tehran: Anjoman-e Āsār va Mafāxer-e Farhangi (Society for the National Heritage of Iran). [Persian]
- Ghaem Maghami, Jahangir. (1326/1947). *“Tahavvolāt-e siyāsi-ye nezām-e Irān”* (Political developments of the Iranian system). Tehran: Ketābxāne-ye ‘Ali Akbar-e ‘Elmi va Šorakā. [Persian]
- Gilantz, Peter D. Serkis. (1371/1992). *“Soqut-e Esfahān”* (Fall of Isfahan) (2nd ed.). Translated by Mohammad Mehryar. Esfahān: Golhā. [Persian]



- Jaberi Ansari, Mirza Hasan Khan. (1378/1999). *“Tārix-e Esfahān”* (The history of Isfahan). Edited by Jamshid Mazaheri. Esfahān: Maš'al. [Persian]
- Jaubert, Pierre Amedee. (1347/1968). *“Mosāferat dar Irān va Armanestān”* (Voyage en Armenie et en perse, fait dans les annees 1805 et 1806) [Travel to Armenia and Persia in the years 1805 and 1806]. Translated by Aligholi Etemad Moghaddam. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān (Iranian Culture Foundation). [Persian]
- Mahboubi Ardakani, Hossein. (1374/1995). *“Čehel sāl tārix-e Irān”* (Forty years of Iranian history in Naser Al- Din Shah era) (vol. 1) (2nd ed.). Researched and edited by Iraj Afshar. Tehran: Asātir. [Persian]
- Malcolm, Sir John. (1380/2001). *“Tārix-e kāmel-e Irān”* (The history of Persia: From the most early period to the present time) (vol. 2). Translated by Mirza Esmaeel Heyrat. Tehran: Afsun. [Persian]
- “Šarh-e hāl-e Abbās Mirzā Molk-ārā”* (The biography of Abbas Mirza Molkara). (1361/1982). Edited by Abdolhossein Navaee. Tehran: Bābak. [Persian]
- Sheibani, Mirza Ebrahim (Sediq Al-Molk). (1366/1987). *“Montaxab ot-tavārix”* (The selection of histories). Tehran: Mohammad Ali 'Elmi. [Persian]
- Sheil, Lady. (1856). *Glimpses of life and manners in Persia*. London: William Clowes and Sons.
- Stevens, Roger. (1964). *La Persia: The land of the Great Sophy*. Milano: Officine Grafiche Garzanti.
- Tahvildar, Mirza Hossein Khan. (1342/1963). *“Esfahān”* (Geography of Isfahan: Natural and human geography and statistics and guilds of the city). Edited by Mohammad Sotoudeh. Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Tahqiqnāt-e Joqrāfiyāyi. [Persian]
- The National Geographic Magazine*. (1921). Washington: The National Geographic Society.
- Walcher, Heidi A. (2008). *In the shadow of the king: Zill al-Sultān and Isfahān under the Qājārs*, London: I.B Tauris & Co Ltd.
- Wilson, Charles James. (1366/1987). *“Tārix-e ejtemā'ee-ye Irān dar 'ahd-e Qājāriyeh”* (Social history of Iran in the Qajar era) (2nd ed.). Translate by Jamshid Dodangeh



and Mehrdad Niknam. Tehran: Tolu'. [Persian]

Zell Al-Soltan, Masoud Mirza. (1362/1983). "*Tārix-e sargozašt-e Mas'udi: Zendegi-nāmeḥ va xāterāt-e Zell-os-Soltān hamrāḥ bā safarnāme-ye Farangestān*" (Memoirs of Zell al-Sultan). Tehran: Bābak. [Persian]

Articles

Bakhtiari, Somayyeh. (1398/2019). "Arāq dar dowre-ye hokumat-e Mostafā Qoli Xān Farrāš-Bāši" (Iraq (Region of Iran) under the rule of Mustafā Quli Khan (May 1887-January 1888)). *Ganjine-ye Asnād*, 29(2), pp. 32-71. [Persian]

Bakhtiari, Somayyeh. (1402/2023). "Mostafā Qoli Xān, Farrāš-Bāši-ye Zell-os-Soltān dar āyine-ye asnād va nosxe-hā-ye xatti" (Mostafā Qoli Khān, Farrāshbāshi of Zell-e Soltān in the mirror of documents and manuscripts). *Pažuheš-nāme-ye Motāle'āt-e Asnādi va Āršivi* (Documentary and Archival Studies Research), forthcoming. [Persian]

Benjamin, S. G. W. (1886). "Persia and the Persians". *Journal of the American Geographical Society of New York*, Vol. 18, pp 27-66, p64.

Ghaem Maghami, Jahangir. (1346/1967). "Varāqi az tārix-e arteš-e Irān: Tārixče-ye sarbāzgeri dar Irān" (A page from the history of the Iranian army: The history of enlistment in Iran). *Barresi-hā-ye Tārixī*, 2(2), pp. 64-92. [Persian]

Stadart, Colonel. (1349/1970). "Gozāreši darbāre-ye arteš-e Irān dar zaman-e Mohammad Šāh Qājār" (A report on the Iranian army during the time of Mohammad Shah Qajar). Translated by Ehsanollah Eshraghi. *Barresi-hā-ye Tārixī*, 5(2), pp. 123-134. [Persian]

Press

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 9 Jumada Al-Awwal 1296 AH / 1 May 1879, issue 2. [Persian]

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Jumada Al-Thani 1297 AH / 13 May 1880, issue 46. [Persian]

Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 25 Safar 1298 AH / 27 January



- 1881, issue 83. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Rabi Al-Thani 1298 AH / 5 March 1881, issue 88. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 16 Shawwal 1299 AH / 31 August 1882, issue 166. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 27 Dhul Qadah 1301 AH / 18 September 1884, issue 273. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Muharram 1302 AH / 23 October 1884, issue 278. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 29 Safar 1302 AH / 18 December 1884, issue 286. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 14 Ramadan 1303 AH / 16 June 1886, issue 363. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 21 Ramadan 1303 AH / 23 June 1886, issue 364. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 5 Shawwal 1303 AH / 7 July 1886, issue 366. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 25 Dhul Qadah 1303 AH / 25 August 1886, issue 380. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 29 Dhul Qadah 1303 AH / 29 August 1886, issue 381. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 21 Safar 1304 AH / 19 November 1886, issue 404. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 3 Rabi Al- Awwal 1304 AH / 30 November 1886, issue 407. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 24 Safar 1305 AH / 11 November 1887, issue 506. [Persian]
- Ruznāme-ye Farhang-e Esfahān (Farhang Newspaper), 14 Jumada Al-Thani 1305 AH / 27 February 1888, issue 537. [Persian]



Unpublished interview

Zareei, Mahmoud. (1399/2020). "Bāznešaste-ye Āmuzeš va Parvareš va Esfahān-šenās"
(Retired teacher of the Ministry of Education and Esfahan expert) (56 years old).
Interview subject: "Esfahān dar dowre-ye hokumat-e Zell-os-Soltān" (Isfahan during the reign of Zell al-Sultan). Interviewer: Author. Place of interview: Meydān-e Naqš-e Jahān (Naqsh-e Jahan Square). Personal archive. [Persian]

Photographic documents

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS_MH02-02-0158-AL-FL / Public Domain Mark.
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274607>

ETH Library Zurich, Image Archive/Aerial Image Switzerland Foundation / Photographer: Mittelholzer, Walter / LBS_MH02-02-0160-AL-FL / Public Domain Mark.
<http://doi.org/10.3932/ethz-a-000274609>

